

**آقای محمد میر و جردی** - بنده قطع نظر از ۲۶ کرد یاسی کرد را باینجه کرور چنانچه اظهار امیدواری فرمودند و قطع نظر از آن اظهاراتی که شد که آن اجزاء چه خواهند شد اینها را بنده نظر ندارم عرض می کنم یک مشت خبلی بزرگ و یک اداره خطیری است و این شغل بسیار خطیر این کسیکه متصدی این امر می شود چه میز چه مستشار چه معاون چه رئیس کل هر کدام واقعا اگر عالم و درست کار باشد این مبلغ بلکه ده برابر این مبلغ هم که باشد بنده عرض می کنم که کم است و اگر العباد بالله مسئله خطا کاری و خیانت باشد اورا نباید داخل کار کرد و این مذاکره را هم بنده نمی دانم چه فایده دارد طول دادنش پرتفری ندارد و نمی دانم آخرش چه می شود انشاء الله خوب می شود .

رئیس - در این باب هم مذاکره کافی است این هم همانند نامه کافی شود عده از انقاد جلسه امروزی این است که دستخطی از والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه رسیده می خواستم آن خوانده شود ولی عده برای مذاکره و رای کافی نیست و بعضی از نمایندگان در خارج تشریف دارند فرستاده ایم که تشریف بیاورند تشریف خواهند آورد و مذاکره میشود پس در دقیقه تنفس می دهیم که نمایندگان محترم تشریف بیاورند و آن دستخط والا حضرت آقای نایب السلطنه خوانده شود ( مجدداً جلسه تشکیل شد ) .

رئیس - خاطر نمایندگان محترم مسبق است که در جلسه شب گذشته بعد از آن نطق هایی که از طرف نمایندگان محترم شد در ختم آنها بنده بعضی عرایضی کردم که حالا محتاج نمی دانم که آنها را تکرار کنم و در ختم عرایض خودم خواهم کردم که در باب اجزای بی کثرت و اقلیت مجلس و پروگرام آنها و یکی هم بر حسب استخراجهای که از طرف والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه شده بود در باب کاندیدای از برای آن شخص که برای ریاست وزرا و تشکیل کابینه لازم است حزب اکثر نظریات خود را ببنده بگوید این خواهم را اجرا کردم بواسطه اینکه از بنده رسماً سؤال میکنند چنانچه در این چند روزه هم در این ایام اخیر از طرف والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه علاوه بر فرمایشات حضوری شان که همه و کلا فرمودند سفارش فرمودند و بنده هم بعد از آن دوسه مرتبه شفاهاً فرمودند چندین دستخط از ایشان آمده است که از بنده سؤال میکنند یعنی می پرسند که در مجلس اکثریت با کدام حزب است و اقلیت با کدام فرقه است و پروگرام آنها چه چیز است و کاندیدای آن حزب اکثر کدام است اینها را از بنده سؤال میکنند و معلوم است که تا بنده اطلاع صحیحی در آن باب بهم نرسانم نمی توانم جواب این سؤال والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه را بدهم از آقایان خواهم کردم که حزب خودشان را یعنی حزب اکثر و کاندیدای خودشان را بنده بفرمایند که بنده بتوانم بموجب آن بحضور مبارک والا حضرت اقدس عرض کنم حالا می خواهم بدانم در این باب اندامی شده است و آیا می تواند که عده و پروگرام و کاندیدای خودشان را بنده رسماً

اظهار کند بر طبق آن بنده بحضور والا حضرت جواب عرض کنم یاخیر .

**آقای میر زامر رضی قلیخان** - بنده اولاً خیلی افتخار می کنم که حزب اکثر بنده را اینجا ببلاغ و اظهار این مطلب انتخاب کرده اند و بنده ایندگی جزئی که اکثریت مجلس را دارا است مقتضایم و در این مقام حاضر شده ام که جواب بعضی مطالب را که آقای رئیس فرمودند عرض بکنم از ابتدای انعقاد مجلس تا اکنون خیلی واضح و معلوم است چیزی که اینجا تأسیس شد اول فرقه بوده با اسم امتدال اگر چه نسبت بطرف مقابل اکثریت داشتند لکن هیچوقت اکثریت نامه را دارا نبودند که بتوانند در مجلس مقدس همیشه دارای اکثریت نامه باشند و حکومت ملی را که راجع است بمجلس حاضر شوند در طرف مقابل هم چیزی که حاکی باسم دموکرات نامیده میشود بنده تقدیس میکنم کلبه مسالک را لازم میدانم که این جمله مترجمه را عرض بکنم هر مسلکی که مقصد او صحیح میشود نهایت اینکه نظر از طرف میکند این حزب دموکرات خودشان را مکرر معرفی کردند با اقلیت از آن جمله در حضور والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه و در همین مجلس مقدس آقایان اظهار فرمودند که ما بیست و یک نفر هستیم و تقاضا کردند که حزب اکثر هم همینطور عده و اسامی و اشخاص خودشان را معرفی کنند و فرمودند که ما حالا اسم خودمان را معرفی نمیکنیم و در مقام خودمان نمی نشینیم و اکثریت بدو حاضر بشود برای اینکه چون آن خیال خیلی خیال مقدس و صحیحی بود فراد شد امشب اکثریت نام خود را اعلام کند بعد از اینکه این فرقه که بنام امتدال آنها را نامیده بودند بدینند که اکثریت نامه را دارا نیست و با آن فرمایشات والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه و آن تا کیهانی که تمام از روی اساس صحیح و اصول مشروطیت بود و بطور حتم اکثریت مجلس را خواستند که تکلیف خودشان را در باب کابینه و امور مملکت معین بفرمایند و در این مجلس هم مکرر مذاکره و گفتگو شد با این جهت آن فرقه امتدال با آن فرقه که قریب المسالک و قریب - المشرب بودند و اصول پروگرام آنها چندان میانبتی نداشت بنام حزب اکثر اتفاق کردند در مواد عملیه مخصوص که اینجا تقدیم میشود بمقام ریاست چون معلوم است که هر مسلکی دارای پروگرام اساسی و پروگرام عملیه خواهد بود و پروگرام اساسی هر فرقه طبع و نشر شده است و معلوم است که بنظر تمام اشخاص رسیده است که بفریک از نمایندگان داده بشود یا اینکه بمقام ریاست تقدیم میشود اما در مواد عملیه نظرات مختلف خواهد بود و چون هیئت منعده و حزب اکثریت که از طرف آنها عرض آقایان می رسانم بدینند که هر اتفاقی لازم است که بر روی اساسی باشد هم لازم است که بر روی عملیات باشد لابد باید عملیات باشد نه مراننامه آمالی بجهت این که خیلی واضح است که اساس مطلب و پروگرام اساسیه غالب آن ها مرامی است

که متدرجاً در سنوات جدیده باید با آنها شروع بشود ولی عملیات موادی است که از امروز بعد باید شروع بشود تا با واسطه موادی را که ممکن است این کابینه که امروز تأسیس میشود و اینها این اکثریت را دارا خواهد بود در این هشت نه ماه بتوانند تمام آنها را بوقع اجرا بیاورند و اگر فرماً در نای از آنها با تمام بوقع اجرا نیامده ممکن است که شروع کامل بشود در آنها مثل این باشد که باختتام رسیده است و چون همیشه اختلافی که میان این مجلس و کابینه هست در مراننامه ها است هر مرامی را که یک صاحب مسلکی دارد متوقع است که آن کابینه حاضر عمل کند و وقتی که دید در یکی از آنها مخالفت کرد فوراً استیضاح خواسته و در حدود تخریب آن کابینه و اساسش بر می آید پس هیئت منعده حزب اکثر اینطور صلاح دید موادی را که اینجا نوشته اند کابینه که محل اعتماد است تشکیل داده شود که آن کابینه از روی کمال قوت قلب مشغول انجام آن مواد بشود و بتواند که او را در موقع عملیات ظاهر بکنند و هم مجلس در اعتماد خود متزلزل نشود و هم آن کابینه با کمال قوت قلب مشغول اقدامات بشود و این موادی که اینجا نوشته شده و فردا طبع هم خواهد رسید و منتشر هم خواهد شد و بنظر تمام آقایان نمایندگان محترم هم خواهد رسید بلکه در خارج هم منتشر خواهد شد بعد از آنکه بدست آقایان نمایندگان رسیده هر یک که اختلافاتی بنظرشان رسیده یا اینکه مطابق سابقه شان شده است قبول خواهند نمود پس بنده عجالاً اکتفا می کنم تذکر اشخاص که تا امروز داخل این حزب اکثریت و نظامات مسلکی این حزب اکثر شده اند که خودشان را حاضر کرده اند در اینجهت بهمان نظامات رفتار میکنند اگر چه جمعی از آقایان محترم هستند اتفاق دارند ولی چون موقع نشده داخل در نظامات بشوند باین جهت با کمال تأسف از ذکر اسامی آنها سکوت میکنم و اسامی آن اشخاص را که حاضر شده اند که داخل در نظامات بشوند می خوانم و از تقدیر و تأخیر در ذکر اسامی معذرت می خواهم .

اسامی از قرا ذیل است -  
 آقایان شیخ حسین بزدی - انتظام العکامه - حاجی شیخ رئیس - حاجی شیخ اسدالله - شیخ علی شیرازی - حاجی عزالدوله - عبدالعزیز بروردی - حاج شیخ علی خراسانی - شبانی - ادیب التجار - حاج سید ابراهیم - سید محمد باقر ادیب - اوهادوله - میرزا رضا خان مستوفی - حاج محمد کریم خان نقاشی - حاج میرزا رضا خان - آقا میرزا ابراهیم خان - مستشارالدوله - دکتر میرزاخان میرزا محمد صادق طباطبائی - حاج دکتر رضاخان حاج آقا - معاضدالملک - دکتر حیدر میرزا - رکن الملک - دکتر اسمعیل خان - میرزا مرتضی قلی خان - فهیم الملک - ممتازالدوله - متین السلطنه - میرزا اسدالله خان کردستانی - موز الملک - معین الزهرا - ناصرالاسلام - کاشف - آقامیرزا علی اکبر خان دهخدا ادینه محمدخان - آقامیرزا ابراهیم قسی - حاج مصدق الممالک - جهدار اعظم - سردار اسعد - میرزا مرتضی

**قلیخان بختیاری** - این اسامی بود که عرض کردم تا تاریخ امروز داخل شده اند در این هیئت و معلوم است که این هیئتی که دارای اکثریت هستند کاندیدای خودشان را همانطوریکه مطابق قوانین مشروطیت است بمقام محترم ریاست مجلس اظهار خواهند کرد و ایشان هم بمقام مقدس نیابت سلطنت اگر چه مقام محترم ایشان چندان لزوم نداشت که این تقاضا را از مجلس بکنند و خواهم بکنند که از طرف مجلس این اظهار بشود و مقدم مقدس ایشان محتاج نبود که از طرف مجلس اظهار بشود و خودشان از روی کمال بصیرتی که دارند کابینه را تعیین میکنند حق داشتند ولی چون ایشان متنها درجه احتیاط را می کنند که مبادا امر مواد مشروطیت فی الجمله تصوری بشود یا بواسطه این تقاضا را کردند که اکثریت مجلس را بدانند که مقابل تکست باین جهت آهائی که بطور اکثریت تشکیل شد کاندیدای خودشان را اظهار کرد و این مسئله را هم لازم است مکرر بکنیم که این اکثریت که این جا تشکیل شده است خودشان خیلی زیاد تر از اینها است و شاید در همین مجلس هم حاضر باشد و اگر حاجت هم شد شاید بعضی اظهار بفرمایند ولی چون این اسامی نامی بود آنها را عرض نکردم ولی بعد از آن که این مواد عملیه طبع و رسیده منتشر شد عقاید خودشان را اظهار خواهند کرد و خیلی با کمال امیدواری استدعا میکنم از آن حزب اقلیت که این جا اظهار کردند و خودشان را با اقلیت معرفی کردند و اظهار فرمودند که ما بیست و یک نفر هستیم بعد از اینکه بنده از اینجا مرخص شدم آن سر دسته در همین موضوع تشریف بیاورند و سر دستگی خودشان را معرفی بکنند که هم اسامی آنها معین باشد و هم اسامی امام که معین شده بشود ملت و مملکت معلوم شود که حزب اکثریت که هستند و حزب اقلیت که هستند و همانطوریکه این تقاضا از طرف خود آنها بود که این اقدام از طرف حزب اکثریت شود بنده هم همانطور تقاضا میکنم که آنها اجابت بفرمایند که هم نشین هر کس معین شود و هم اسامی هر کس که اسباب زحمت نباشد و لازم است که این یک کلمه را دوخته عرض بکنم که همانطور که گفته شد کاندیدای خودمان را معرفی و معلوم کردیم معلوم است که این حزب با آن کابینه که حاضر باشند در اجرای این مواد عملیه و این عملیه را شروع به اقدام بکنند و جداً در مقام اجرای این مواد باشند تا آخر درجه نفس و با کمال اعتماد و تسویق در مقام مساعدت با آن کابینه خواهند بود و ابتدا در ساد تخریب آن کابینه نخواهند بود ( تصدیق کردند ) .

**رئیس** - بنده خیلی اظهار امتنان میکنم از این حزبی که سه مطلب مغنی را بنده معلوم کردند یکی اینکه آقای آقامیرزا مرتضی قلیخان در ضمن نطق خودشان خودشان را معرفی کردند به این که نماینده این حزب اکثر هستند و دوم اینکه عده حزب خودشان را بیان کردند که ۴۹ نفر هستند این هم پروگرام ایشان هست که بنده داده اند و در باب کاندیدای هم وعده کردند که نظریات حزب اکثر را بنده بفرمایند تا اینکه در جواب سوالی که از طرف

مقام نیابت سلطنت شده است جواب عرض بکنم حالا می خواهم که از آن حزب اقل هم خواهم کنم که نماینده حزب خودشان و اسامی عده خودشان را بنده بفرمایند پروگرام خودشان را که روز شنبه داده اند لکن دو چیز مانده است یکی اینکه سر دسته نماینده خودشان را معرفی بکنند یکی هم اسامی خودشان را بفرمایند تا بنده بدانم .

**سلیمان میرزا** - بنده چون از طرف حزب اقل هستم اول تقاضا میکنم که آن مواد را بخوانند تا اینکه اظهاراتیکه میشود از روی اطلاع بشود اگر چه فرمودند فردا طبع خواهند کرد و منتشر خواهد شد لکن خیلی تفاوت دارد دانستن آن مواد را در عرایض بنده یعنی خیلی تفاوت دارد اطلاع بنده در عرایضی که بنده می خواهم عرض کنم و عدم اطلاع بنده و عرایض کردن خوب است اجازه داده شود که متنی بخواند معرمانه هم که نیست اجازه بدهید که بخواند تا اینکه بنده هم عرایض خود را عرض بکنم .

**آقامیرزا مرتضی قلیخان** - بنده عرض میکنم این مطلب هیچ سابقه ندارد بجهت اینکه وقتی که حزب اقل پروگرام خودشان را بمقام ریاست تقدیم کردند هیچکس تقاضای خواندن نکرد و بنده عرض میکنم که ما بنده برخلاف سابقه رفتار میکنیم شما از ما تقاضا کردید که ما خودمان را معرفی بکنیم معرفی کردیم با اسمانهم در حائثیکه این حق را کسی نداشته است که بگوید ما خودمان را معرفی بکنیم و معرفی کردیم و این پروگرام مسلکی نیست پروگرام مسلکی آن است که عرض کردم چپ شده است و دیده اند این مواد عملیه است و هر فرقه خودش یک پروگرام اساسی دارد و این پروگرام عملی است که ما از روی این مواد تقاضا داریم که این کابینه که تشکیل می شود در تمام شود و نارو شنبه هم تمام نمایندگان محترم داده می شود در تمام شهر داده خواهد شد و این تقاضا خارج از مطلب است .

**رئیس** - بنده می خواستم عرض بکنم که این موادی را که بنده داده اند این را بنده معرمانه نگاه نگروم داشت عملی خواهم کرد که حزب اقل مسبق باشند و هم اینکه مردم بدانند که حزب اکثر کی ها هستند و هم این که آن عده که خودش را حزب اکثر معرفی می کنند آنها مقصود و پروگرامش چیست این را بنده علنی خواهم کرد حالا باز خواهم خود را تجدید می کنم بطوری که سابق هم عرض کردم که همانطوریکه این حزب اکثر نماینده خودشان را وعده و اسم و کاندیدای خودشان را معین کردند باز خواهم می کنم از حزب اقل که آنها هم عده و اسامی خودشان را معین کنند تا بنده از این مطالب مستحضر شوم و این را هم چاپ خواهند کرد .

**سلیمان میرزا** - بنده اولاً از طرف حزب اقل همانطور که در دربار والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه تبریک بعرب اکثر عرض کردم باز هم در این جا تبریک بعوم اهل مملکت عرض می کنم که امروز معلوم شد و مشغول این مملکت بکنند و موفقیت حزب اکثر را هم همیشه از خداوند خواهند که در اصلاح مملکت آنچه را

که در نظر دارند بموقع اجرا بیاورند و در جواب بنده که عرض کردم آن مواد خوانده شود اظهار شد که این تقاضا و ترتیب پروگرام عملی است و ترتیب دوره است که این هیئت وزرا باید این کار را بکنند و اینکه تقاضا کردم که آن مواد خوانده شود مجبور هستم که بعضی مطالب اظهار بکنم زیرا که باید همانطور که آنروز عرض کردم وظیفه حزب اقل اظهار کردن مطالب است و وظیفه حزب اکثر حکومت ملت است آن پروگرام که آنروز از طرف حزب اقل اظهار داشتیم پروگرام اساسی و مراننامه بود آنچه که امروز از طرف حزب اکثر اظهار شد پروگرام عملی است اینک که تقاضا کردم که خوانده شود بنده هم بی ربط بودم که این معرمانه نخواهد ماند می خواستم بخوانند تا بنده هم موادی هست تا شاید از طرف حزب اقل اظهار کنم همه موافقت دارند چون این مراننامه عملی است شاید مردای این روز که این دست همه رسید همه بگویند که اتفاق دارند امروزه وقتی که یک پروگرام عملی نوشته شد معجزاً میتوان گفت که اول ماداش این خواهد بود که استقرار امنیت کمر آن اول را نشی منظور نباشد این یک چیزی است که تمام افراد ملت و مملکت در آن متفق هستند که امنیت باید استقرار داشته باشد از این چیزهای مشرک هم هست حزب اول و ثلث وقتی تشکیل میشود که مراننامه سیاسی اردو و اعمال آنها معلوم باشد با هم نگرار میبندم در اینجا آنچه که اظهار شد از طرف حزب اول مراننامه سیاسی بوده و آن چه که از طرف حزب اکثر اظهار شد مراننامه عملی است و اشخاصیکه اینجا اسم برده شد نمیتوان گفت حزب را که همه می دانند که حزب سیاسی باید دارای یک پروگرام آردوئی و آملی باشد و از فراری که بنده از خرج شنبه و در هیئت محترم ریاست هم که این را کردم از آقای رئیس ( خوب بود این مراننامه عملی قبل از فرات در مجلس طبع و توزیع می شد شاید اتفاق حاصل می شد و امروز هم عرض میکنم در عملیات چون سابقه معلوم است چه خواهد بود شاید اگر طبع و توزیع می شد اتفاق می شد اما در خصوص چند چیزی که از طرف حضرت رئیس تقاضا شد از حزب اقل بنده مجبوراً باید از طرف حزب اقل آنها را جواب بگویم در مسئله پروگرام که فرمودند تقدیم شد و در موضوع ایدر - یا ناطق بابک سر دسته چنانچه آقای میرزا مرتضی قلی خان این سمت را دارا هستند از طرف حزب اکثر بنده هنوز دارا نیستم و باید از برای روز پنجشنبه بنده با هر کسی که لیدر و این سمت را دارا شد با اکثریت شنبه پارلمانی دموکرات آن شخص باید معین شود اگر بنده معین شدم که با کمال افتخار خود را موفق خواهم کرد و اگر دیگری شد وظیفه او خواهد بود که اسامی این اشخاص را در اینجا بگوید عجالاً که لیدری معین نشده است که اسامی زیرا که ما قبلاً بطور قطع نمی دانستیم که امروز معین شده است که روز معرفی باشد فقط یک مذاکره هم که بنده صبح با آقای رئیس کردم بطور کلی بود و روز معین نشده بود که امروز این طور خواهد شد و بنده مطمئن نبودم که حزب اکثر امروز لیدر خودش را معین خواهد کرد تا بنده هم بعرب اقل اطلاع بدهم



که يك ليدري از برای خودش معين کند اين مطلب خواهد ماند از برای جلسه فردا که ليدر آنها معين بشود و اسامي آنها هم روی تریبون خوانده شود در پايان عرض خود هم عرض میکنم که چون بنده همیشه از طرف حزب اقل عرایضی عرض می کردم چه در اینجا چه در حضور والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه بنا بر این ایندفعه را با وجود اینکه اجازه کلی ندارم از طرف خودم این عرض را می کنم و گمان میکنم که حزب اقل هم تصدیق خواهند کرد و آن اینست که هنوز نمی توان گفت مطابق میزان های سیاسی این اشخاص که اسم برده شد حزب هستند (در این موقع بعضی اظهار مخالفت کردند)

**سليمان ميرزا** - الحمد لله حزب اکثر چهل ونه نفر است می توانند چهل ونه مرتبه بنده را رد بکنند بنده هم ۴۹ مرتبه گوش خواهم کرد هنوز نمی توان این ۴۹ نفر را حزب نامید بلوک میگوئیم این اسم صحیحی است اما حزب گویا مناسب نداشته باشد این ائتلاف و بلوک است هنوز آن معناها و آن اشکالاتی که در این مجلس کردم از برای بنده و از برای اکثر هم مسلکان بنده حل شده است یعنی نمی دانند که این بلوک این ائتلاف از چند حزب تشکیل شده است و آن حزب هنوز به وظیفه خودشان رفتار نکرده اند یعنی مثل حزب دموکرات پیرو گرام سیاسی خودشان را اینجا نگذاشته اند و معين نکرده اند که در حزب خودشان چند نفر هست و الا پیرو گرام علی در چیزی که بعمل اجرا بیاید غالباً چیزی است که عموماً در آن متفق هستند مغالطی ندارد عدلیه مجری منظم اصلاح وزارت خانها معارف نظام يك چیزی است که اتفاق است کیست که بگوید در این مملکت اینها لازم نیست همه در این چیزها متفق خواهند بود این را نمیتوان گفت که حالا آقایان ۴۹ نفر بنده مراد بکنند و لکن مطابق تمام کتاب ما بنده عرض میکنم که این ائتلاف را حزب نمیتوان گفت و بلوک باید گفت و قانوناً هم چنانکه ما رفتار کرده ایم استدعا میکنم که هر حزبی خودشان را معرفی بکنند و پیرو گرام خودشان را معين بکنند تا معين شود که این بلوک از چند حزب تشکیل یافته و آن مطلب اخیراً هم که عرض میکنم توضیح واضحات است لکن چون يك سوء تفاهمی برای یکی از آقایان نایبندگان پیدا شد یعنی در جلسه گذشته گويا آقای حاجی آقا بودند و فرصت نشد که جواب عرض کنم جلسه ختم شد فرمودند حزب اکثریت هیئت وزرای خودش را معين میکنند مشغول کار میشوند بنده همچو فهمیدم که فرمودند مشروط بر اینکه حزب اقلیت اشکال تراشی نکنند و يك عبارت دیگر فرمودند که اقلیت هم مشغول است فرمودند اقلیت چگونه ممکن است مشغول باشد اولاً این را عرض میکنم که در هیچ جای دنیا هیچوقت ممکن نیست اقلیت مشغول باشد این حرف هم گويا در تمام دنیا مسوع باشد کسیکه میگوید هیچ کاری از من پیشرفت ندارد عدله من کمتر حرف طرف مقابل که برخلاف من است مجری و متبع باشد و اگر بد شده باشد مشغول باشد وقتی که هیچ کاری که از گفته بکنند چگونه میشود گفت مشغول است پس باز بعدای بلند عرض میکنم که حزب اقل ابداً

مشغول نیست و حزب اکثر که امروز الحمد لله بیارگی و میمنت معلوم شد مشغول است نایباً اینکه حزب اقل وظیفه خودش را میداند چنانکه حزب اکثریت هم میداند حزب اقل همیشه تنقید خودش را در موقع گذشتن قانون میکنند ولی وقتی که قانون گذشت مجبوراً طاعت است زیرا که اگر طاعت نکرد باقی وظایفی است اما تا آن قانون مدارج قانونی خودش را طی نکرده و از مجلس شورای ملی و مجلس سنان گذشته و بیاضی اعلام حضرت با والا حضرت آقای نایب السلطنه رسیده و شرح نشده با آن امضاء حق دارند تنقید کنند تا در موقع تنقید اما وقتی که آن تنقید نشد و اعلام شد آن قانون بعمل عدل آمد هر کس مخالف او عمل کند او را میگویند باغی و نمیگویند حزب و او باغی است و این حزب همیشه تنقید کننده است و تنقید خواهد کرد و همیشه يك قانونی که گذشت ولو اینکه برخلاف عقیده او باشد اطاعت خواهد کرد محققاً مثل خیلی از قوانینی که چه سابق گذشته است و چه حالا و گذشتن اکثریت را مقنس و مطاع و متبع میدانند

**رئيس** - عرض میکنم امروز صبحی چنانچه روز شنبه عرض کردم والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه دستخط فرمودند و از بنده مطالبه جواب کرده اند هم در مجلس آروز عرض کردم که امروز و فردا که میگذرد و پس فردا مطالبه جواب کرده اند و در مجلس اظهار خواهم کرد و هم اینکه امروز صبح بهر دو حزب اطلاع داد که از من مطالبه جواب کردند و در مجلس اظهار خواهم کرد و وجود آقای سلیمان میرزا هم این مسئله را عرض کردم حالاً می بینم داخل میشود در باره مذاکراتی که گرام این است که از آن مقصود آن شبی ما خارج است بعثت اینکه ما در اینجا گفتیم که طرفین عدله خودشان و سر دسته با ناطق و اصطلاحی که فرمودند ليدر خودشان را معين فرمایند حالاً که يك حزب با يكفره این را معين کرده است داخل مذاکره میشود که اینرا ائتلاف مینامند یا حزب از طرف حزب اول دوشب سه شب پیش پیرو گرامشان بن برسد و آن عدله امشب از طرف حزب اکثریت عدله شان پیرو گرام و سر دسته و کاندیدای خودشان را معرفی کردند حالاً از حزب اقل میگویند فراموش کرده خودشان را معرفی خواهند کرد و هم عدله هم افراد آن حزب را این را هم بنده قبول دارم و ممکن است فردا معرفی بکنند و خواهش میکنم از آقایان که در موضوع مذاکره این مطالب اگر حرفی دارند فرمایند و الا داخل در بکنند اگر خارج از موضوع نشویم

**معز الملک** - چون اینجا یکمده اسامی ذکر شده و اشتباهاً اسم حزب گذاشته شده بود روی اکثریت و اشاره هم شده که حتی جاها را هم باید تغییر بدهند محض اینکه در آیه سوء تفاهمی نشود چنانچه در این مجلس شروع شده است که سوء تفاهم می شود بنده آطوریکه میدانم می بینم لزوم تشکیل اکثریت و ترتیب این اکثریت را این است که کلیتاً ۱۴ ماه است که از عمر قانونگذاری ما میگذرد و ما دیدیم که آطوریکه باید موفق بشویم و بمقاصد خودمان عمل بکنیم و اقدامات لازم را بکنیم موفق نشده ایم برای چه برای اینکه وقت ما که خیلی عزیز و گرانبها بوده است برای این مملکت بیهوده صرف شده است این بوده است که ما در کار های خودمان معتقد بیک

نقشه و پیرو گرام خط مشی نبوده ایم تمام زندگانی خودمان را زندگی روزانه و مطیع حوادث فرزانده ایم البته هیچ کاری نمیتواند بیک نتیجه خوبی برسد در صورتی که انسان بیش از وقت خودش را نسنجید باشد خود و استعداد خودش را نسنجید باشد و آرزوی خودش را هم ندانسته باشد و میخواهد قوه و استعداد بقلان مقصود برسد تا آنکه این سه فقره پیش بینی نشده باشد و انسان روزانه زندگی بکند و مطیع حوادث و وقایع بشود البته نتیجه نخواهد گرفت و همان چیز پیش خواهد آمد که بدبختانه در مملکت ما پیش آمده است یعنی دو قوه ای که مقتنه و مجرب است عرض آنکه با هم کمک کنند و تمام کارها را تصفیة بکنند تمام وقت خودشان را صرف حمله و دفاع از یکدیگر کردند سه کابینه تا حالا روی کار آمده است که این سه کابینه با وجود اینکه در ابتدای عمری برای آن آرزوی خودشان را که پیشنهاد با کرده اند ردیدیم که يك نقشه و آملی در نظر داشتند ولی مع التأسف موفق نشدند با اجرای آن پیرو گرام و اگر موفق شده اند بیک اندازه ای موفق شده اند برای چه برای اینکه وزراء نمی دانستند تکیه گاه آنها کیست در مجلس یعنی در مجلس يك اکثریت ثابتی که بداند چه میخواهد و چه طریق میخواهد وزراء تمام وقت خودشان را مجبور بودند صرف استقرار خودشان بکنند و يك وزیر که باید بداند در مجلس کدام و ذیل طرفدار او است و از او مدافعه خواهد کرد منتظر بود که از هر يك از افراد و کلا مورد حمله شود در صورتیکه نمیدانستند چنانچه خواهد بود در دفاع از خودش باین که یکمده ای با او همراه و هم آواز خواهند بود این است که کارها متزلزل شده بود و هیچ وزیری نمیتوانست کاری بکند علاوه عتد دیگری هم در کارها پیدا میشد و آن این است که ما يك آرزوی یکدستی را که ممکن بود آن وزیر با ما هم آواز شود آنچه معلوم نبود مثلاً اگر بگوید میخواستیم که يك همچو عمارتی را برای ما بسازد هیچ فکر نمی کردیم چقدر مدت لازم دارد که این عمارت را بسازد و در روز اولی که اظهار میکردیم مقصود خودمان را که اینکار را باید بکنی اگر پنج روز بگذشت اینکار را انجام نداده فوراً مورد حملات و سخنها واقع میشد و ما تصور میکردیم که کلیتاً عیب در اشخاص است همینکه عمو را تغییر میدادیم وزیرا بجای آن نشانیدیم تصور میکردیم ایران آباد و کلستان خواهد شد بدبختانه این امتحان دوره چهارده ماهه نشان داد که ما در تمام این موارد اشتباه کرده ایم و عیب زیر سر خودمان بوده است اگر ما میخواهیم کار بکنیم اکثریت تامی در این مجلس تشکیل شود آن اکثریت بداند چه باید بکند و آنچه را که میخواهد در چند مدت میخواهد این اکثریت باید اینقدر حوصه داشته باشد که خیلی زود از جاده خارج نشود و این قدر وقت نهد بآن کسانی که محل اعتماد هستند که این مقصود او را بوقع اجرا بگذارند و آن نتیجه مقصود را بدست بیاورند و والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه هم گويا پس از ورودشان ملتفت همین نکته هستند و قبول کار و تشکیل کابینه را و قبول تعیین يك اکثریت تامی فرمودند و در واقع هم همین است که اگر انسان بگفتی فکر بکند می بیند که تا يك اکثریت تامی در مملکت نباشد

یعنی آنچه می بیند که تا يك اکثریت تامی در مملکت نباشد اکثریت تا وقتی که آن دستور دهنده در مملکت نباشد همیشه دچار بحران خواهیم بود همیشه دچار اساسی خواهیم بود و هیچ کاری از پیش نخواهیم برد و در بعضی جاها میگویند ممکن است تشکیل اکثریتی بدهد ولی در بعضی جاها يك حزب کافی نیست چنانچه الان در انگلستان اکثریت پارلمانی از يك حزب نیست لیراها هستند کارگر ها هستند ایرلندی ها هستند و يك چیزی را در نظر داشتند و ما به الا تعدادی را ایجاد کرده اند و موادی را در نظر آورده اند که بدانند ازوزرا چه میخواهند و چه ترتیب میخواهند در اینجا هم همینطور شده است و اگر اطلاق بکنند در این مسئله باین اکثریت اسم حزب را بنده قبول ندارم بنده خواهم اظهار کرد که این حزب نیست و لکن این را بنده عرض میکنم که آن احزاب را هم نباید مجبورشان کرد که خودشان را معرفی بکنند این در هیچ جای دنیا نیست این اکثریت در موقع ائتلاف خودشان برقرار هستند و تشکیل شده است از دو سه حزب که بعضی از آنها از نمایندگان بی طرف هستند بعضی بدبختانه فقط ترجمه شده است و اسم آنها را گذاشته ایم بی طرف آن ها بی طرف نیستند اندو باند هستند حالا که این اکثریت باین ترتیب تشکیل شده است می خواهید بدانیم چه میخواهند و بنده حاضرم که باین اکثریت همراهی بکنم یعنی تمام آقایان عقیده شان همین است (گفتند صحیح است) چون ممکن است پیرو گرام و آملهای فرق سیاسی خیلی از هم دور باشند و ایرمانهائی که برای انجام آنها لازم است ممکن است مختلف باشد پس هر چه برای انجام آن نظر ها معين کنید لازم است کمتر بکنیم طبیعتاً آن اختلاف نظر ها هم کمتر میشود باین جهت نگاه کرده اند دیهاند اگر بخواهند آن پیرو گرام های آملی را در نظر بیاوریم يك خورده (گویرومه) بکنند بکنند نزدیک بشوند و از آن آرزوی مسلکی خودشان بکنند این است که ممکن نبود این اکثریت تشکیل شود آمدند سنجیدند آن مدتی را که مانده است برای این دوره این هفت ماه که چه باید کرد و يك پیرو گرام عملی را ترتیب داده اند که بدانند مقصود خودشان اهم مطالب بنظر میرسد که تصور میکنند در ظرف این مدت ممکن الاجرا است همه اینها را تصور کردند و روی کاغذ آوردند یعنی میخواهند بگویند که آن کابینه که میخواهد در آیه تشکیل بشود در عمل اعتماد باین اکثریت بشود باید این تمایل اکثریت پیرو گرام را در نظر داشته باشد و رفتار خودش را مطابق بکنند باین اکثریت بنده شخصاً چون معتقد هستم که تا چندی در مملکت ما باید از روی پیرو گرام عملی کار کرد چنانچه در این باب مجلس شورای ملی هم بکوتی همین عقیده را انتخاب کرد و يك کمیسیون پیرو گرامی تشکیل کرد ولی کار او منتج نتیجه نشد و چنانچه عرض کردم عقیده بنده این است که باید از روی پیرو گرام های همین درك مدت همین کار کرد تا بشود کارها را از پیش برد و بنده داخل این اکثریت هستم که تا وقتی که يك هیئت دولتی مطابق

این دستور رفتار بکنند و مطابق مصالح مملکت رفتار بکنند و مطابق این پیرو گرام عمل بکنند بنده بواسطه اینکه تزلزل کابینه را مضر میدانم که هر روز يك کابینه عوض شود بنده تا آن روز مدافع این کابینه خواهم بود و تصور نخواهم کرد اینجا يك چند کلمه عرض کنم در باب اقلیت داشته باشد آن هیئت دولت با کمال خوبی نمی تواند تکیه بکند با آن اقلیت و کار بکنند و گوشود بکنم تمام آقایان که مملکت نیست اینطور و نمی تواند درك بکند آن اهمیت موقع را و درك بکنند مخاطرانی را که ما در پیش داریم و فقط تصور نکنند همینکه اکثریت يك کاری را قبول کرد اقلیت باید در صدد حمله بر آن اکثریت و هیئت دولت باشد بواسطه اینکه با وضع حاضر که ما داریم فقط حملات يك اقلیت خیلی کوچکی متزلزل بکند مگر اینکه به پیرو گرام عملی را تمام باتفاق بپذیرفته است و تمام مجلس شورای ملی تکیه گاه کابینه است و بيك جهت و يك دل حامی و حافظ قوه مجریه است (اکثر تصویب کردند)

**محمد هاشم میرزا** - مقل آن مشولیتی که بنده دارم اگر چه اثباتش نمی ماعدا نمیکند و لازم نیست نمایندگان بمجرد اینکه جزء این ۴۷ نفر نبوده اند عقیده شان برخلاف این پیرو گرام باشد حالا هم عرض میکنم که بنده این پیرو گرام را ندیده ام نه اینکه تصور شود که بنده دیده ام و نمی کرده ام بجهت اینکه اشخاص که این را امضاء کرده اند گمان نمیکنم احدی منکر باشد و سایرین هم ندیده اند و اگر به بییند متفق خواهند بود و یکی از آنها بنده هستم

**هشترودی** - بنده آنچه نشکر است بود و مست در جلسه سابق هر چه بود کردم و خیلی خوشتردم از اینکه مجلس ما دیگر مجلس شده است و چون حضرت رئیس فرمودند که از این موضوع نباید خارج شد لهذا بنده هم مجبورم که هر چه عرایض خارجی دارم عرض نکنم و عرایض علیحده را نکنم بجهت اینکه از موضوع خارج نشوم اولاً جلسه گذشته اعلان کردم بنده بی طرف ولی بآن معنی که آن روز گفته شد ولی جامد دیوار بیطرفی که تا به حال داخل يك فرقه نشده است ولی خودش هم اساس صحیحی در نظر خودش برای سیاست مملکت عقیده مسلکی دارد و مجبورم نیست چونکه نه داخل است نه آنها میخواهند کار ملت را انجام بدهند بیاورند پیرو گرام خودشان را روی میز رئیس بگذارند اینهم لازم نیست و این را هم عرض بکنم که بنده همین پیرو گرام عملی که میگویند بنده هم در بیطرفی خودم عرض میکنم که یقیناً این پیرو گرام اساسی و آملی حقیقی که میگویند که صاحب مسلکها می نویسد آن نیست بنده هم دیده ام یعنی باین معنی که بخود بنده داده اند که امضا بکنم ولی چون بنده از این امضا را بچه کردم که شاید منتشر بشود که داخل این حزب شد و بنده در بیطرفی خودم این را حزب نمیدانم چنانچه خودشان هم تصدیق کردند مگر اینکه همین جور که گفته شد که يك اتفاقی شده است و اشخاص متعدده اکثریت مجلس

را برده اند بعد از اینکه اینطور شد معلوم شد که این حزب نیست و مرمانه که برای آمل هزار سال یا صد سال یا بیست سال باشد نیست بی و بیست در بی طرفی خودم تصدیق میکنم که این پیرو گرام که دارای بیست ماده است این مواد بیستگانه خیلی لازمه این مملکت است و بنده هم در این مواد شریک خواهم شد ولی این شراکت من این را فهماند که من داخل این حزب هستم عرض کردم چون بنده هم چنین فهمیدم و اگر در مجلس صحبت شده ام بنده بکنم و هم داخل حزب بشوم بجهت این که کار را نکرده ولی در مواد بنده شریکم و یکی را اسم ببرم که آقای معین الرعایا هم شریک هستند خودشان باید تصدیق بکنند تا بنده بکنم (آقای معین الرعایا تصدیق کردند) و کلا باید باین مواد شروع بکنیم بی و بیست و بیست و یک میگویم این اکثریت را که ائتلاف میگویند بلوک میگویند یا هر چه میگویند که این مواد را ترتیب داده اند برای دوی مملکت ما و باید شروع بشود ولی يك چیزی که بنده اینجا تقاضا میکنم عقیده ام این است که اتفاق خواهد شد برای اینکه این مواد موادی نیست که آنها را بکنند اگر خدای نخواست آنرا نشان نداده و نخواهند این را چاپ بکنند شاید برای آنها يك سده داشته باشد من در بیطرفی خودم عرض میکنم که این مواد را عرضه بدارند با اقلیت اگر متفق شدند آنوقت چاپ کنند در بی طرفی خودم این تقاضا را بنده از حضرت رئیس میکنم و گمان میکنم که همه این تقاضا را بکنند

**معین الرعایا** - بنده این مواد را دیدم و در صدد بودم که امضاء کنم و تمام آن را تصدیق دارم و بآن مواد همراه هستم

**حاجی شیخ الرئیس** - بنده لازم میدانم اولاً تشکر کنم از وجود مقدس والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه و دلیل این تشکر این است که معلوم است چه در دوره متجدد هیچکس نمیتواند منکر شود که يك اکثریتی در مجلس کار فرما و متشاعر اثر نبوده است و دلیل اینکه اگر اکثریت نبود هیچ لایحه قانونی نمی گذشت و ما هیچ تأسیسات تعقیقاتی که راجع به مجلس شورای ملی بوده در عهده اجرا نمی رفت و در عهده ترویج میدانند ولی می توانم عرض کنم که آن اکثریت اگر چه تا درجه ثابت هم بوده است بطور غیر مستقیم و يك عنوانی برده است در نظر عموم ملت تا چه رسد که میخواهد ترفی بدیم که در میان خود نمایندگان معتر هم يك اکثریتی از مقام کتبی مخفی من احب ان اعرف نمیخواست بشود آن نظر سیاسی و اطلاعات عدلیه و عملیه که والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه دارا و مسلم کل اندانندین علاج مملکت را در این دانستند که احزاب بطور تمایز در مجلس شورای ملی خودشان را در مجاورت و مکاتباتشان خیلی استعمال می کنند و بنده آن کلمه فخرمانیت ایشان را عرض میکنم خارج از موضوع نیست غلب الاحزاب و عدله یعنی احزاب را در آن قوه فکریه خودشان متقاعد شدند و همه حاضر شده اند که خودشان را



مرفعی بکنند چنانچه حزب اکثر مرفعی کردند البته حزب اقل هم بطوریکه آقای رئیس اختصار فرمودند و اظهار کردند اسماً و رسماً خودشان را به مجلس مرفعی میکنند بنده امروز را روز سعادت این مملکت میدانم که ما با اکثریت حزبی - بنده خیلی جسارت می کنم که این الفاظ را می نیاید ملاحظه کرد یک هشتی ولو مسلکهای وجدنا نشان خیلی بسا هم متباین باشد امروز چون دیده اند که از یک اکثریت ثابت در مجلس نباشد گویا تجویز کرده است مجلس شورای ملی بر اختلاف امور زیرا که آن اکثریت هشت ساله که مملکتی است پس بنا بر اینکه بنده عرض میکنم حالا آن لفظ فرنگی یا ایرانی که آن اختلاف بین همان نتیجه است که از حزب اکثریت میخواهند و این مطلب را هم لازم میدانم خاطر نشان نمایندگان محترم بکنم که مسلک و پروگرام یک فرقه در کلیات است چنانچه همه اظهار کردند که آن پروگرام را بخوانند تا همه نمایندگان بدانند شاید در اساس پروگرام همه اتفاق کنند و اکثریت تبدیل بشود بیک اتفاق بنده این را رد میکنم که این اتفاق هرگز حاصل نمی شود و بواسطه اینکه اگر ما در یک اصول کلیه اگر حرف بزنیم گمان نمیکنم که هیچکس منکر باشد مثلاً تمیم مزارف که اعتدالی هستم دیگری هم می گویند تمیم مزارف شاید در مرتبه هم بگویند و این را ناچارم عرض کنم که بخاطر هم رسیده است - ای ماه مجلس - آرا از ابوری هلالی - چشم توانایی - فتوای اعتدالی در مقام جریان عملی و فتنه می گویند امنیت عمومی و چنانچه در پروگرام سابق وزرا پیشنهاد کردند حالا در مقام اجرا چنانچه دیدیم در دوره - سابقه خواستند اعاده امنیت بدهند و خواستند اعاده امنیت بدهند و خواستند انارشیست خواریز را از این مملکت ریشه اش را بکنند همه و کلارای دانند مگر تشکر می کنم که آقای مؤمن الملک فرمودند عجله نکنید ولی چون رأی واحدی بود مهیت شد لکن حالا بنده عرض میکنم که در مقام جریان آن آرزوها چه جزئی باشد چه کلی لابد کلی منتهی میشود بجزئی امنیت طرق را بنده بیک سابقه دارم که گمان نمیکنم که کسیکه با من هم سابقه باشد همراهی نکند بنده شاید امنیت را اینطور و معتقد باشم بملاحظه حالت حالیه و آن مقتضیاتی که امروز ما را سوق میکند و میراند بآن وجهه که امروز دولت خیلی با ملایمت با تأمل با یک رعایت کفایت و مراعات جهات لازمه امنیت را اعاده بدهد باینکه شاید امنیت هست کامل بکنند و شاید نظر آن طرف هم حالا تنبیه نمی کنم او هم همین نظر بکنند بنده توجهم به این متوجه باشد ولی حالش این باشد که باکمال قهاریت با نهایت جدیت و شدت اعاده امنیت کرد و آن ترتیبات لازم را براه اندازد این جاست که اختلاف پیدا می شود و بنده این آرزو را از روی مجال میدانم و از توله عهد شباب است برای بنده که عرض می کنم اتفاق در جریان مجال است هیچکس نمی گویند امنیت نخواهم امین متدین درست کار در ادارات نباید داخل کرد این محل حرف نیست

یک نکته دیگر عرض میکنم و سخن را دیگر اعطال نمیدهم و آن این است که خاطر آقایان متوجه باشد که اختلاف مسائل در امور سیاسی مادامیکه منتهی نشود بیک عنوان دینی و ایمینی امکان ندارد اوراداخل مسلک قرار بدهند بنده با اینکه تقدیس میکنم همه مسائل را برای اینکه نظریات تمام الاحاط مملکتی است اما این وقت نمی توانم بگویم که کسی که مالک زمین است فقط سطح زمین مال است بگذردی که یائین رفت دیگر آنرا مال او نمیدانم من نمیتوانم داخل مسلک بشمارم این را که ملاک را باید مجبور کرد که باید املاک را برعابا بفروشد زیرا که منافی با ادبی است که الناس مسلمان علی اموالهم و انفسهم زیرا که با تمام قوانین عدلیه و عقلیه و شرعیه منافی است.

**حاج آقا** - بنده تصور میکنم بعد از اظهارات آقای میرزا ملک و آقای حاجی شیخ رئیس دیگر هیچ موقتی برای مفاکره نباشد ( یعنی از طرف فرقه اکثریت عرض میکنم البته اگر اقلیت فرمایشاتی داشته باشند باید بفرمایند) ولی چون حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا در ضمن اظهار کردند که آندمه بنده بعضی مراضی کرده ام باز هم بنده مجبورم توضیح بدهم و همان فرمایشی که آقای حاج شیخ رئیس کردند این مرامنامه که تقدیم هیئت رئیسه و تقدیم آقای رئیس شد همانطور که گفته شد یک موادی است که اختلاف یک جسمی بر آن شده است برای پیشرفت امور مملکت با آنطوریکه والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه تقاضا کرده بودند و این مواد چون حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا در مجلس سابق فرمودند که باید احزاب علنی و معلوم شود که مرامنامه اکثریت چیست و دیدند که در بعضی برک و شاخه امان میزان را گرفته بودند مهمل لازم دانستند که اکثریت امروز بیان مرامنامه خودش را بکنند و ظاهر کند که آنها هستند که در این اختلاف داخلند یعنی در تحت نظارت اختلاف داخل شده اند که آن مواد را قول دارند و همراهان با این مواد ولی وارد بر ترتیبات نظارت نمیشوند و عرض میکنم گفته شد که این مواد چه بسا اگر بنام اعضای مجلس شورای ملی ارائه میشد همه اتفاق میکردند بنده خواستم تشریح بکنم که بدیهی است که ممکن است یک موادی باشد که همه تصویب میکنند بلکه همه اتفاق در آن داشته باشند ولی کسانی که متفق میشوند بیک موادی مثلاً مقصود این نیست که بنده با آقا میرزا اسدالله خان یا فلان آقا که متفق شدیم بر این مواد یعنی بنده بگویم قبول دارم ایشان هم بگویند قبول دارم و کلمات علاوه بر این درصدد اجرای این مواد هستیم و بیک ترتیبات مخصوص برای اجرای آنها پیش گرفتیم که بلکه بوسیله آن ترتیبات را اجرا کرده در این مقام مبارک اشخاص در این ترتیبات و با هم کار کردن یقیناً طبیعی است و مستلزم این است که همینطور که بیان شد افق خیالات سیاسیانشان موافق یا نزدیک باشد باین معنی که یک موادی را موافقانه قرار داده و تزلزل کردند از آرزوهایشان بگذرد باشد که نزدیک بهم باشد که

در مواد اتفاق تصادم نکند و اسباب اختلاف نشود والا این معقول نیست که یک کابینتی آطوریکه بیان شد مثل تمیم مزارف تأمین مملکت که دست هر کس بدهند بگویند من موافقم آنها موافق بکنم - بنده می بود و من تصور میکنم که این مواد اتفاقیه تمام ایرانیها است ولی در مقام جریان آنها و در مقام نظامانی باشند که مذاقشان نزدیک بهم باشد والا همان تصادم از خارج پیدا خواهد شد و آن اکثریت و اختلاف را باید نباید اکثریت و اختلاف گفت در مسائل خارج که یک بلوک تشکیل میشود اتفاق نخواهند آمدش را بگذارند لابد سه دسته چهار دسته با هم متفق میشوند در مقابل یکدسته دودسته این از حیث سببش این است که فلان دسته با فلان دسته افق سیاسیانشان نزدیک است از این جهت مؤلف میشوند والا چرا نمی روند با آن دسته مؤلف شوند و با این یکی مؤلف میشوند پس این طبیعی است که باید افق خیالات سیاسی در مقابل اجرای مرامنامه و مقاصد خودشان یکی باشد یا افلا اگر یکی نیست نزدیک باشد پس این مواد همانطور که گفته شد طبع خواهد شد و بنظر آقایان خواهد رسید ولی آقایان البته قبول دارند و در مرفع اجرای این مواد همراهی خواهند کرد ولی این یک تناضای محالی است چنانچه آقای حاجی شیخ رئیس فرمودند که بنده هم ایشان را تأیید میکنم که یک جماعتی که در اصول مرامنامه خودشان و اصول مسلکی خودشان خیلی با هم مابین دارند اینها بتوانند در یک اصول نه من باب طرفیت شخصی است طرفیت نظری است معقول نیست که اینها بتوانند در تحت یک نظامی بیایند الان عرض کردم و باز هم میگویم که چون مواد مسلکی پروگرام دموکرات یا مواد مسلکی من مخالف است معقول نیست که بتوانیم با هم کار بکنیم و این گمان نرود که بنده بفرض شمس این عرض را می کنم این اسباب تزلزل است پس این مطلب را بدانند و سببش این بود که آن مواد آقایان بیکه جزء حزب دموکرات بودند نشان داده نشد بجهت اینکه ممکن نیست داخل یک نظام باشیم و با هم بنشینیم و با هم یک چیزی را تمام بکنیم بجهت اینکه ایشان یک نظری دارند و بنده یک نظری آنوقت بواسطه همان مسلک که از هم متفرق میشوند و اکثریت متزلزل می شود نمی توانیم اختلاف و با هم کار کنیم چون ما یوس بودیم از این جهت نشان ندادیم سبب - همین بود که آن مواد با آقایان بیکه جزء حزب اکثر بودند نشان داده نشد و بسایرین نشان داده وجهه همین بود که بیک جماعت ما باید اختلاف بکنیم که با حزب دموکرات نمیتوانیم کار بکنیم از این جهت نشان ندادیم اما در باب اینکه اشاره فرمودند الحمد لله معلوم شد و مسئول است و همه بدانند البته این طبیعی است مسئولیت بآن معنی که میفرمایند البته حکومت در دست اکثریت است انشاء الله بعد از این خواهد شد ولی تا امروز همین نشده بود و حکومت در دست اکثریت نبود و بنده هم هر وقت این کلمه گفته شود لابد بگویم و فریاد بزنم که تا امروز از این دوره جدید بنده حکومت با اکثریت

نمود و پرپر روز عرض کردم که با کسی بود در کابینه بود در این مجلس که هیچکدام از آنها بآن شرحی که عرض کردم در منزل والا حضرت اقدس نایب السلطنه هم عرض کردم ولی متأسفانه آن روزنامه که نوشته بود و آن بیانات شاهزاده سلیمان میرزا نوشته بود اگر چه ادله شاهزاده سلیمان میرزا بیان کرده بود ولی جوابهای بنده را بیان نکرده که اگر آنها چاپ میشد محتاج نخواهم بود که این جابگویم که جواب مرا چرا نوشته و عرض کردم که بطور می شود که اکثریت نتوانست زمام حکومت را بدست اکثریت آمد مسئولیت باین معنی بدست اکثریت یعنی حکومت باید بمذاق اکثریت اجرای خیالات بکنند و جریان امور بمذاق اکثریت باشد اما عرضی که بنده عرض کردم باز تکرار می کنم که اگر فقط همان قدر استفاده کرد از کرسی نطق راست است که هیچ مسئولیتی ندارد بواسطه اینکه وضع قانون بسته برای اکثریت و اجرای قانون در خارج هم که با اکثریت است ولی این مادامی است که حفظ استفاده از مزیت نفعی بشود نظرات اکثریت را در قانون گذاری ولی در مقابل اجرای قانون در خارج اشکال تراشی نشود و معلوم است که اگر بشود نباید بکرد که این مسئولیت کردن اقلیت نیست بعضی اگر فرض کنید که در مقابل یک قانونی که یک اکثریتی وضع می کند یک سنک جلوش میکنند البته با اندازه خودش اگر خرابی تولید شود شبهه ندارد که مسئول است بواسطه اینکه او مخالفت کرده است از اجرای آن قانون مثلاً اکثریت در این مجلس بواسطه یک حرارتی یک قانونی گذاشت آن قانون همانطور که گفته شد که آقای مؤمن الملک بودند و یکی دو نفر دیگر که بنده هم جزء آنها بودم که گفتند یک قدری صبر کنید و آن قانون را بگذارید باز اگر در خارج بطور عدم تجربه جاری شده بود شبهه نداشت که خیلی اثراتش بهتر از این که حالا بود در اینجا میشد اما عرض میفرمایند که اگر تجربه شد و نتایج مبعری نشد یک ماضی جلوان را گرفت این بدیهی است که آنها جلوگیری از اجرای آن کردند مسئولند این را هیچ عاقلی نمی تواند سکوبد یک اکثریتی قانون بگذارند و اجرای آن بکنند باز یک اقلیتی که با هیچ مداخله ندارد مخالفت بکند و مسئول نباشد بنده برای توضیح عرض خودم لازم دانستم این عرض را بکنم و در آخر عرض میکنم همان فرمایشی را که آقای رئیس فرمودند باز من مکرر میکنم که شاهزاده سلیمان میرزا خیلی اصرار داشته و میفرمودند اکثریت یک حزبی مثل اقلیت پیدا میکند و پروگرامشان منتشر شده بود و آن اصراری را که شاهزاده سلیمان میرزا کردند برای این بود که خودشان را ظاهر بکنند ولی این بدیهی است که بیک حزبی که اکثریت دارند این قدر تحکم میکنند ظاهر باشند خودشان هم باید حاضر باشند که امروز همانطوریکه اکثریت اماء خودشان را خوانند آنها هم اماسی خودشان را خوانند باشند و بروز پنجشنبه نیتد حالا که خیلی شده است رئیس - بنده خیلی تعجب می کنم از این همه مباحثات مسلکی اینکه بنده در اول مجلس عرض کردم که اقلیت و اکثریت و کاندیدهای خودتان

را بمن بفرمائید بنده منتظر بودم که بدون هیچ نطقی بدون هیچ ترتیبی جواب بنده را میگویند و تکلیف بنده را همین می کنند باین نکته را عرض کنم که بنده خیلی خوشوقتم که در این مجلس گفتگو میشود که اکثریت خواهد شد البته این اکثریت ثابت خیلی اثرات بزرگ در امورات مملکتی پیدا خواهد کرد اما منتظرم که این اثر در خود مجلس هم پیدا بشود بجهت اینکه وقتی که این اثر در خود مجلس ظاهر شد سر دست همین شرفلان حزب همین شد گمان بنده این است که هر قانونی که اینجا می آید اگر سابق در سه ساعت وقت یک قانونی میکنند شاید بعد از این در سه دقیقه بگذرد ولی تا الساعة بنده این را قبول نمیکنم مثل اینکه الان سی نفر اجازه خواسته اند اگر از اول همیشه بودی فایده اجزاء بدهم باید یک چند ساعت از صبح هم در این مذاکره کنیم پس خواهش دارم که این مسئله رعایت شود اطمینان که همین است سر دست ایشان هم همین است اولاً به بینیم این مطلبی که عنوان میشود برای این است که مذاکره و گفتگو در آن شود یا غیر یک شوالی است از بنده کرده بودند باید جواب بدهم .

**آقای شیخ رضا** اجازه که خواسته بودم راجع بود بآن صحبت هائیکه جاری بود بین حضرت رئیس و شاهزاده سلیمان میرزا که آقای رئیس مطالبه کردند از ایشان یعنی از فرقه شان اناطشان وعده شان و علتی شد نشان را بطوریکه فردا اسم ببرند که آنها هستند و شاهزاده سلیمان میرزا اظهار کردند و چون ما نمیدانستیم اینطور خواهد بود و هنوز آن باطریق همین نشود نمی توانیم بدون رسمیت جواب بدهم لکن مع التأسف توقع می کنم که آقایان نمایندگان و حضرات ناماشا چنان التفات بر اریض بنده بفرمایند مهمل در اینجا چیزهایی گفته شد که تصور نمیکنم که این مجلس سیاسی بود یک مجلس تضییق و تنگی بری بود یا بلکه چو چیزی بود و راجع بآنهم سخنی خواهم گفت و مقدمه هم یک چیزی عرض می کنم که اسباب گرفتاری نشود برای کسانی که شاید امری بر آنها داشته بود بنده حضرات ناماشایان و نمایندگان که اینجا نشسته اند شهادت می دهم بر اینکه خدایگانه است و نظری ندارد و شهادت می دهم که حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله بیغیر است شهادت می دهم بر این که علی بن ابیطالب و یازده فرزندش امام بوده اند و شاهد میکنم بر اینکه مردنی هست و همه از مردن بیستی هست و خداوند از برای مجازات مغاوتش یک جنتی و یک ناری همین کرده است و شهادت می دهم بر اینکه ما توفیق فرخیر من العروة فی ذل بعد عرض میکنم اما آن کلماتیکه بین شاهزاده سلیمان میرزا و حضرت رئیس جریان پیدا می کرد آن را عرض کنم آن چیزهایی که راجع بهت بود عرض کنم خیلی دوست دارم آن چیزیکه والا حضرت آقای نایب السلطنه در دربار در حضور نمایندگان اظهار فرمودند و کلامه شنیدم که در آن مدتی که وارد طهران شده ام سابق بر آن بالاتر از که راننده بودم این بود که فرمودند معایب کار را بی ده بگویند خیال نکنید اگر معایب کار را ببینید دیگران بی خبر باشند

معایشان را ندانند که صد هزار پرده روی آن ببوشانید و امریک لندن اروپا شرق و غرب عالم آنها که دولت اند و تمدن و صفشان است آنها می فهمند خودشان فرمودند همه امکان برده بوشی نکر بدو این کلمه بود که از بنده ورود بطهران تا بجا هیچ کلمه من را آن قدر بشمف نیاورده بود و بالا ترین کلمه است که گویند آنها بگویند اینجا یک صحبتی شد والا حضرت اقدس از راه قانونیت از آنجا که قانونی و شخص عالم است فرمودند که بدست من نایب السلطنه از روی قانون اساسی که در میان معمول است هیچ حقی برای من نیست و اگر شما نمایندگان و تمام ملت بخواهید بن حق بدید قبول نخواهم کرد ولو اینکه بعضی از نمایندگان بودند که در نظرشان بود حقوقی باباشان بدهند بملاحظه آتی لکن بملاحظه اینکه تمام هر این مملکت را مستغرق نخواهد کرد هر والا حضرت این شخص بزرگوار و بک وقتی هم می آید که ایشان نایب السلطنه بنشینند شاه بزرگ میشود ممکن است صد سال دیگر کسی دیگر شاه بشود و کسی دیگر روی کار بیاید در نیابت سلطنت چه میدانم چه کسی میشود باین ملاحظه فرمودند من اگر ملت هم بخواهند حقوق زیادت از اینکه اعطاء کردن قانون مصوبه و پیشنهاد کردن آن رئیس الوزرائی که وزرا را مرفعی بکنند یا ارمان فریاد این من حقوقی نخواهم پذیرفت آنوقت فرمودند چونکه حق ندارم این است که باید شخص من که برای نیابت سلطنت انتخاب شده ام ولی چون این یک چیزی است که عزل کردن من بوزنه آبی نیست ولی اینکه بکثرت شده است و همه اعضاء کرده اند لکن در اول بوزنه آبی بود چندی بود که وزنه آبی انداختنش مجال بود یا باید خودشان استعفا بدهند یا بپذیرند لکن مسئله وزرا طوری است که این یک چیزی است که اگر در مجلس یک اکثریت قاطبه نباشد که پشت آن کابینه باشد و با اطمینان قلبی یک کاری را انجام بدهند ولی خودم تا وجود دارم و تا استعفا ندادم هستم همین طور نایب السلطنه خواهم بود و اظهار شد که تا امروز اکثریت خودشان را نشان نداده اند اینست که این یک مسئله است که من استقبال می کنم و خیلی نظر صحیحی هم بود اظهار شد که یک اکثریتی در مجلس بود و والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه میدانستند که یک اکثریتی بود و هر کابینه از روی یک اکثریتی سرکار آمد بلی در آخر طوری شد که برف یک از یاران ما بر میخورد آنوقت میرفت بی کار خودش این است که فرمودند که یک اکثریتی باید خودش را بنمایاند هر کس اوقاتش تلخ می شود برود بیرون که عریض بنده را نشود من هیچ سابق نیستم که وکیل یا وزیر بشوم - خواستم عرض کنم که والا حضرت آقای نایب السلطنه فرمودند که یک اکثریتی باید که خودش را بنمایاند آن اکثریتی که ثابت است آن شاهزاده سلیمان میرزا خواستند از طرف فرقه دموکرات که بنده یکی از آنها هستم نه حالا هستم بلکه از بیست سال قبل از آن وقتی که فهمیدم که دین اسلام چیست و دین اسلام با راست است از اینکه معارضت باید از بین برداشته شود و از قبل



از اسلام تمام نزاع‌هایی که شده است بر سر مفازیت بوده است اگر این از میان برداشته شده بود هیچ نزاعی در میان نبود اگر تصور شود که دموکراسی یک انسانی است بنده که او هستم و اگر تصور شود که یک کلمه است بنده خود را تصور می‌کنم که مغز سر او هستم شاهزاده سلیمان میرزا که خودشان از حزب دموکرات هستند اظهار کردند که فرقه دموکرات چون از اول اقلیت داشتند و حالا هم اقلیت دارند این است که اینها نمی‌توانند یک کابینه را تشکیل کنند و او را ادامه و بر پا کنند اگر یک فرقه دیگری هستند که دارای یک اکثریت و یک مسلکی باشند خودشان را نشان بدهند که خودشان بتنهائی تشکیل بدهند یعنی یک اکثریتی را تشکیل و آنوقت البته تشکیل یک کابینه در پشت اومی ایستاد و او را ادامه می‌کنند و اگر آقایان نمائندگان تصور بفرمایند که یک همچو اکثریتی که والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه تقاضا کردند باید بطور بلوک از روی ائتلاف بشود یعنی فرقه مختلفه جمع بشوند چند ماده در میان گذارند که در این دوره یاد هشت ماه اجرا بدارند البته یک چند چیزی در این هشت ماه در نظر دارند و در این هشت ماه ممکن است اجرا بشود ائتلاف خواهند کرد که بشود فرقه‌ها با فرقه دیگری یک همچو موافقتی که داشته باشند ائتلاف می‌کنند آقای سلیمان میرزا اظهار کردند که من از طرف فرقه ام اظهار می‌کنم که اگر اکثریت یک فرقه نباشد و اکثریت مسلکی نباشد ما دموکراتها حاضریم برای ائتلاف بهر نحویکه بخواهیم (یک همچو چیزی گفته شد) و گفته شدی صبیح است من کتاب که نمی‌خواهم بخورم صحبت میکنم عرض می‌کنم آنچه اظهار شد که دموکراتها حاضرند برای ائتلاف بهر نحویکه بخواهند بنده که یک دستخطی از طرف والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه آمد اینجا و اشاره بود بان مذاکرات اگر چه والا حضرت فرموده بودند آنها سری است لکن چون گفته بودند که نباید علنی شود ما دیگر نتوانستیم خلاف نزاکت بکنیم و بگوئیم اشاره شده بود که اکثریت تمام چطور شد همین شد یانه و از آقایان هم که هیچ تکلیفی همین نشد والا حضرت چون دیدند اشاره نامی شود تصدیق فرمودند که اکثریت را اظهار باید داشت بالاخره از فرمایشات حضرت رئیس حالا معلوم شد که اکثریت ائتلافی شده است فرمودند که چند فرقه است اتفاق و ترقی است اعتدال است ترقی خواهند آمد

**رئیس** - اینجا را که بنده نسبت بیده عرض نکردم آقای حاج شیخ رئیس فرمودند

**آقا شیخ رضا** - همچو شنیدم همچو معلوم شد که اکثریت از ائتلاف شده است که اتفاق و ترقی اعتدال ترقی خواهند که از روی بلوک موافقتی ائتلاف شده است و ممکن نیست که اتفاق و ترقی که اقرب است از همه بدموکراتها آنها ائتلاف کند همچو چیزی نباشد اتفاق و ترقی بر او گرامش را بنده دیده‌ام در یک چیز جزئی از قبیل مرکزیت و عدم مرکزیت اختلاف دارند با دموکرات بعضی چیزهای خیلی جزئی است که اختلاف

بنظر می‌آید اگر دیده باشند می‌باید صبح عرض میکنم آقایان نمازها را دیگر حضرت رئیس فرمودند آقای آقامیرزا مرتضی قلیخان آمدند اینجا اظهار کردند که اکثریت ما این اشخاص هستیم و پروگرام عملی که اینجا تقدیم شد خدمت آقای رئیس و گفتند بچاپ میرسد و بنظر می‌رسد آنوقت آقای رئیس فرمودند فرقه دموکرات هم خودشان را بشناسند اسامی ایشان را فرداً فرد بگویند چنانچه پروگرام خودشان را آوردند و دادند به حضرت رئیس شاهزاده سلیمان میرزا چون معین نشده بود رسماً بیده‌ری چون نظر خودشان بود و از طرف فرقه نفرمودند بنده هم از طرف خودم چنین می‌فهم شاید نظر فرقه هم همین باشد این نوع از طرف فرقه دموکرات نشده است و جای این نوع از طرف فرقه دموکرات نشده است و جای این نوع هم نیست از فرقه دموکرات بجهت اینکه اینجا چند فرقه مؤتلف شده اند که پروگرامشان این است مؤتلفین اسامیشان اینست مواد پروگرام عملیشان این است آیا در مقابل این میشود این کسانی که هستند ائتلاف می‌کنند میفرمایند اینجا مؤتلفند پروگرامشان هم چاپ می‌شود شما هم بیاید پروگرام خودتان را بیاورید و ائتلاف کنید اگر یک مسلک بود که امتدادهای این اسامیشان این مؤتلفین اینجا هستند آنوقت یا میشدیم یکی بنده بودم ولی مؤتلفین اینجا هستند و آنها که ائتلاف نمی‌کنند کجا هستند معلوم نیست بگویند آن مواد ائتلاف چیست تا بگویم که ما هم اتفاق میکنیم اگر یکی از مواد این باشد که ما ائتلاف کنندگان باین ائتلاف کرده‌ایم که خدا یکی - لعنت بر آن کسی که بگوید خدا دوتا است - و یکدانش این باشد که حقوق هر شخص از شاه تا کدا محفوظ باشد لعنت بر آن کسی که بگوید اینچنین نباشد اگر یکی از مواد پروگرام این باشد که باید استقلال مملکت را نگاه داشت لعنت بر آن کسی که بگوید غیر از این باشد ادموکراتها که خودمان را معرفی میکنیم که طرفدار پست هستیم به معنی اینکه یا میفرماییم که آنها را بر گردن اشراف سوار بکنیم اینطور نیست چونکه تاکنون اشراف سوار آنها بودند و ظالمین با آنها بودند میگوئیم که دیگر نخواهیم گذاشت که با آنها ظلم بشود ظالم بودن آنها راضی نیستیم و میخواهیم نگذاریم که بگردن آنها سوار شوند پس این سؤالها که حضرت رئیس فرمودند که شما خودتان را معرفی بکنید این چیزی است بحال هیچ نیاید این سؤال را کرد جواب ندارد

**رئیس** - شما خودتان وعده دادید که فردا خودتان را معرفی بکنید این ترتیب نطق نیست که میفرمایید مطالب خودتان را بفرمایید شما نطق‌هایی که از اول مجلس تا بحال شده است تکرار میفرمایید یکساعت و نیم است که متصل نطق میفرمایید و مرا اینجا نگاه داشته‌اید بنده سؤال کردم شاهزاده سلیمان میرزا برخاستند جواب گفتند که فردا اینکار را خواهیم کرد

**آقا شیخ رضا** - عرض کردم که ما آنوقت میتوانیم خودمان را با آنها نشان بدهیم که معرفی آنها مسلک باشد آنها ائتلاف خودشان را اظهار کردند ما هم که اظهار نکردیم که ائتلاف نکردیم مقابل ائتلاف عدم ائتلاف است اما بجز چیزی بود که تهمت است و آن حق را نظامنامه با داده است و از باب او که تهمت زده شد اینجا باید عرض کنم که در پروگرام

دموکراتها نوشته شده است که اراضی ناممکن است از دست مالکین گرفته شود و بزوار زمین داده شود (فرقه دموکرات اظهار کردند اینطور نیست و مرا نامه را فرستادند خوانند)

ماده ۱۷ - تقسیم اراضی خالصه بزوارین و رعایا و فراهم آوردن اسباب همین ترتیب در املاک اربابی بوسیله تأسیس شنب بانک زراعتی در بلوکات و دادن حق تقدم خرید بزوارین در موقع فروش - اینجا نوشته شده است که بزور بگیرند البته این راجع برضای مالک است آنوقت که او میخواهد بفروشد این بخرد کسی دیگر نخرد و ارباب املاک در مالکیت خودشان معتقدند این چه دخالی دارد مسئله دیگر اینکه اینجا صحبت شد که بر فرض بکنند که در اینجا (فرقه دموکرات اظهار کردند راجع باینست)

**رئیس** - جلسه را ختم میکنم و فردا منتظرم که پروگرام خودشان را که داده‌اند لیسر خودشان را معین کنند - جلسه آتیه پنجشنبه و دستور همان دستور است که بود

(مجلس سلسلت و ربع از شب ختم شد)

**جلسه ۲۱۳**

**مذاکرات روز پنجشنبه ۲۳ شهر صفر ۱۳۲۹**

مجلس دو ساعت و بیست دقیقه قبل از غروب بریاست آقای متین السلطنه نایب رئیس تشکیل شد صورت روز سه شنبه را آقای معاضد الملک قرائت نمودند

**نایب رئیس** - آقای ارباب در صورت مجلس نظریاتی داشتید؟

**ارباب کیخسرو** - بعد از صورت مجلس اجازه بفرمایید که بنده مسئله خودم را عرض کنم چون بریر روز گذر آن موضوع صحبت میشد اجازه خواستم نوبت بنده نرسید که عرض کنم

**حاج محمد کریم خان** - اینکه بنده را غایب نوشته اند چون بعد از اعلان دستور رفتن از این جلسه فوق العاده که بعد از آن اعلام شد خبر نداشتم و بنده هم بنده خبر نداشتم که روز چهارشنبه جلسه فوق العاده خواهد بود

**آقا میرزا احمد** - در جلسه گذشته معلوم شد که اغلب از آقایان هم تصدیق کردند که حزب اکثریت نیست و بلوک است در صورت مجلس حزب اکثریت نوشته شده است

**مهرزاد الملک** - بنده هم میخواستم همین را عرض بکنم که چنانچه در روز هم گفته شد اینرا خوب اسم بگذارند ائتلاف بگویند

**معاضد الملک** - اسم این حزب هیئت متجدد است ولی چون اینجا حزب گفته شد از اینجهت مجبور شدیم حزب بنویسیم ولی حالا که تکلیب شد تغییر خواهیم داد و هیئت متجدد خواهیم نوشت

**آقا شیخ رضا** - در صورت مجلس اظهارات آقای آقا شیخ اسماعیل و آقای متین الرعایا نوشته شده است و اظهارات آقای سلیمان میرزا هم نوشته شده است با اینکه اظهارات ایشان را از طرف حزب دموکرات نبود و چون اظهارات ایشان بعنوان نمایندگان از طرف شبه پارلمانی حزب دموکرات

با اظهارات بنده فرق نداشت مذاکرت نمی‌دانم چطور شده است که اظهارات ایشان نوشته شده است و عریض بنده را نوشته اند و چون آنوقت رئیس از شبه پارلمانی حزب دموکرات مطالبه کردند که چون این اکثریت ائتلافی که تشکیل شده است معرفی خودشان را کرده و پروگرام خودشان را داده‌اند شبه پارلمانی دموکرات هم عده خودشان را و سر دست خودشان را معرفی بکنند که معلوم بشود کجا هستند بنده عرض کردم که این مطلب جواب ندارد و حاصل عرض من این بود که این اکثریتی که معرفی شد اکثریت حزبی نبود اکثریت ائتلافی بود و در مقابل این نباید یک حزب سیاسی گفت که شما بیایید خودتان را معرفی بکنید ولی آن اکثریت ائتلافی لازم بود تشکیل بشود

**نایب رئیس** - این شایسته نیست که یک مطلب خیلی واضحی در مجلس مقدس تکرار شود مگر گفته شده است که وقتی از ملاحظات در صورت مجلس سؤال میشود مقصود آن چیزی است که در اینجا نوشته شده است نه اینکه مقصود صورت مذاکرات باشد و اگر آقایان ایرادی بصورت مذاکراتی که شده است دارند او را نمی‌توان در موقع مذاکرات در صورت مجلس گفت آنرا بعد از صورت مجلس ملاحظاتی هست بفرمایید

**آقا شیخ رضا** - بنده می‌خواهم عرض کنم آن چیزی که اهمیت داشت اظهارات بنده که بعد از بیانات آقای سلیمان میرزا عرض کردم و جواب آقای بس بود لازم بود که ما صحبت هم در صورت مجلس نوشته شود نوشته شده است

**نایب رئیس** - با عرض می‌کنم گمان نمی‌کنم که ایراد آقای آقا شیخ رضا وارد نباشد و منکر نیستیم که بیانات ایشان خیلی مهم است ولی در صورت مجلس که نمی‌شود تمام بیانات آقایان را نوشت و اینکه از آقایان شترودی و معین الرعایا اسم برده شده است برای این است که ایشان بعد از فرمایشات بعد از قرائت اسامی اکثریت اظهار کرده‌اند که اسمها را هم نیفزایند و مقصود نطقی نبود که آقایان کرده باشند که یکی نوشته شده باشد و این ایرادات هم راجع بصورت مجلس نبود برای این که این صورت نطقها نیست صورت مجلس است حالا معلوم میشود که در صورت مجلس ملاحظاتی نیست

**صدر العلماء** - چون بنده را غایب نوشته‌اند می‌خواستم عرض کنم که بریر روز که انعقاد این جلسه فوق العاده اعلان شد بعد از ختم مجلس آقای ارباب اظهار کردند که چون این مسئله بی‌مقدمه بوده است مجلس نخواهد شد و چون بنده گمان کردم که مجلس نخواهد شد تا با از اداره مباشرت هم اطلاع ندادند که مجلس خواهد شد از این جهت حاضر نشدم و اینکه بنده را غایب نوشته‌اند تصور از خودشان است که اطلاع ندادند

**ارباب کیخسرو** - آقایان وقتی که از مقام ریاست اظهار شد که باید حاضر شوند و آنرا هم فرمودند که بنده عرض کردم که این جلسه بی‌مقدمه

خطار شده است از این جهت بود که با اداره مباشرت خطار نشده بود که تهیه بلیط برای آن جلسه بکنند بعد معلوم شد که آقای نایب رئیس هم که این اعلان را فرمودند بی‌خبر بودند بی‌خبر باشان اطلاع داده بودند و ایشان هم در جلسه علنی اظهار کردند و چون آقایان حاضر بودند دیگر محتاج نبود باینکه بآنها اطلاع بدهند

**نایب رئیس** - با وجود این بایستی اداره مباشرت اطلاع داده باشد [در این مورد رئیس وارد و بی‌مقام ریاست جلوس نمودند]

**آقا شیخ اسمعیل** - راجع بصورت مجلس و اینکه اسم مراسم نوشته‌اند می‌خواستم عرض کنم که چون این اکثریتی که تشکیل شد حزبی نبود بنده هم جزو نشدم و امضاء هم نکردم ولی آن مواد را که دیدم عرض کردم شریکم چون صلاح مملکت است و در آخر هم تقاضا کردم که آن مواد را با آقایان اقلیت هم نشان بدهند بجهت این که شاید ایشان آنرا قبول بکنند و اتفاق بشود بنده این تقاضا را کردم و مجلس هم قبول کرد ولی در صورت مجلس نوشته نشده است

(دیگر اظهاری نشد - صورت مجلس امضاء شد)

**ارباب کیخسرو** - در جلسه و جلسه قبل که اینجا صحبت از مسلکها بود بنده هم اجازه خواسته بودم ولی نوبت بنده نرسید البته بعد از اینکه این مسائل پیش آمده است و در روزنامه‌جات درج میشود موکلین بنده نیز منتظر خواهند بود ببینند بنده چه مسلکی را اختیار کرده‌ام زیرا در موقع انتخاب بنده قبل از افتتاح مجلس تعیین مسلکی مخصوصاً و کلیم بن توجه نموده‌اند جزو هیچ حزبی نشده مسلک مستقل را انتخاب نمایم و با آن استقلال مسلک حافظ اینجا آمده‌اند و کل تمام مملکت و نماینده عموم ملت هستیم ولی مهرباناً می‌دانم از این جا به موکلین خود عرض کنم همانطوری که بنده توصیه شده است تا بحال در مسلک مستقل مستقیم بوده‌ام و همانطور خواهیم بود و نظر بانی که ما بر مسلک داریم کدام در وقت عمل موافقت با مسلک من کند مستقل طرفدار آن خواهم بود مسئله دیگر که در روز در اینجا مذاکره شد یعنی اظهار نمودند که حزب اقل مسئول نیستند بنده با اینکه بی طرفی خود را معرفی کرده‌ام خود را در مسلک انتخاب خود معرفی میدانم با حال افراد عرض میکنم که خود را مسئول تمام ملت میدانم و همیشه بدین نرس سخنان حقته خود را خواهم گفت و ضمناً اینکه موقع را منتقم شمرده دو ماده از مواد مسلکی خود را در اینجا بر سر میرسانم و استدعا دارم آقایانی که قبول دارند در اجرای آن همراهی فرمایند

(۱) با کمال قدرت حافظ زبان ملی خود باشیم و استدعا دارم آقایان نمایندگان محترم در ضمن نطق‌های خود حتی الامکان کلمات خارجه استعمال نکنند

(۲) تدارک اسباب سعادت ملت موقوف به تربیت امروزه پادشاه جوان ما است لهذا بتوسط

مجلس مقدس از والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه تقاضا و استدعا میکنم در تربیت پادشاه جوان ما بیشتر بکوشند تا از تربیت آن پادشاه سعادت آتیه ملت محفوظ بماند

**سلیمان میرزا** - در روز بعد از اینکه آقای مرتضی قلی خان از طرف هیئت ائتلافه اسامی آن‌ها را خواندند و خودشان را اینکه (بدر) یاسر دسته و ناطق هیئت ائتلافه هستند معرفی کردند از طرف آقای رئیس اظهار شد که حزب اقل هم که پروگرام خودشان را در جلسه قبل روی میز رئیس گذاشته‌اند یک نفر لیدر و ناطق از برای خودشان انتخاب بکنند و اسامی خودشان را هم بگویند که معلوم باشد و بنده از طرف خود آن روز عرض کردم که معلوم است بعد از آنی که اطلاع پیدا کرده‌اند آنها هم ناطق خودشان را تعیین و افراد خودشان را معرفی میکنند و به امروز وعده‌ام اینست که وعده خود وفا میکنم و با کمال افتخار عرض میکنم که آقایان بالاتفاق بنده را سمت لیدری و ناطقی خودشان معین و مقدر کرده‌اند پس از آن اسامی ایشان را هم در آخر عریض خود اظهار میکنم و عرض آقایان میرسانم ولی مقدمتاً لازم است که چند مطلب را در اینجا اظهار بکنم اولاً اینکه اشخاص را که بنده اینجا اسم می‌برم همانطور که آقای آقا شیخ رضا در اینجا اظهار کردند آنها را در مقابل ائتلاف و غیر ائتلاف نباید تصور کرد چون آنها اسم خودشان را گذاشته‌اند هیئت ائتلافی از این جهت لازم شد عرض بکنم که تصور نفرمایند که این حزب اقل هیئت غیر ائتلافی هستند بجهت اینکه کسی که در حضور آقای نایب السلطنه اظهار کرد بنده بودم که گفته‌ام ما حزب دموکرات چون در اقلیت هستیم نمی‌توانستیم تشکیل هیئت دولتی بکنیم اینست که ما حاضریم با هر حزبی که مواد پروگرامش با ما نزدیکتر باشد با او ائتلاف بکنیم و لیکن نمیدانم از سوء قضایا از اشتباه و سوء از هر چه هست نمیدانم چه شده که آن مواد ائتلافی و با نشان دادن و باز بدبختی دیگر اینست که در پروژ آن مواد را مطالبه کردیم فرمودند امروز طبع و توزیع می‌شود و هنوز طبع و توزیع نشده است و به این جهت بنده نمی‌توانم نظریات فرقه اقل را در آن خصوص عرض بکنم و از برای اینکه شاید آن را قبل از طبع و توزیع بخواهیم وعده هم فرمودند فرادایب مرحمت بفرمایند و امروز هم به مذاکره که به هیئت رئیس شرفیاب شد چون آقای نایب رئیس فرمودند بنا بر وظیفه قانونی که دارم چون از رئیس اجازه ندارم نمی‌توانم بدهم اینست که هنوز آن مواد ائتلافی بجزب اقل نرسیده است و لیکن همانطور که عرض کردم اگر آن مواد کلی باشد چنانچه بنده هم چند ماده نوشته‌ام محققاً در آنها اتفاق خواهد بود نه اکثریت مثلاً فرض بفرمایید استقراسی که در نظر هست اگر نوشته شود که این استقراسی که می‌شود باید صرف نشود بشود تمام ما را قبول داریم با اینکه اصلاحات ادارات از قبیل عدلیه و نظایه این یک کاری است که ما ما را قبول داریم و از این قبیل خیلی چیزهای دیگر هست



مثل بر قراری امنیت و رفع فساد این يك چیزی است که هر ذی‌حسی آنرا قبول دارد بنا اینکه اهرام شاگردان برای اردیبهشت می‌توانیم بگوئیم که آن را قبول نداریم یا خرید اسلحه این چیزی است که هیچ‌گونه گفتگو و نظر سیاسی در آن نمی‌آید و يك قولی است که همه دنیا و هر کس که استقلال مملکت خودش را می‌خواهد آزادیخواهد یا تشکیل چند اردو از قبیل سوار و غیر سوار این چیزی بود که از اول دوره جدید تشکیل دولت در پروگرام تمام کابینه‌ها نوشته شده است تا تأسیس مدارس ابتدایی این يك چیزی است که منتهی آمل فرقه دموکرات است که بلکه با این وسیله تعلیم اجباری بشود تا تأسیس کسب و حرفه‌آموزی این محقق از جمله آمل آنها و ما به اتفاق است همین طور ازین قبیل چیزها خیلی می‌شود نوشت و همین کرد و عوض ۲۰ ماده مسکن است ۲۰ ماده نوشت و چیزهایی است که نظرات سیاسی مخالف با آنها نیست و باز يك چیز دیگری راه مجبورم عرض بکنم و آن اینست که دیروز هم پروتست کردم که آقایان را بستم حزب سیاسی بودن نمی‌شناسم و بازم تقاضا می‌کنم و دیروز هم عرض کردم باید بنظر بنده بیاید و الا اقلیت نمی‌تواند بگوید ولی قاعدتاً و قانوناً مطابق با کسب و حرفه‌آموزی ها اگر بلوک تشکیل می‌شود باید که تمام احزاب مختلفه معین باشند هر کدام يك لیدری برای خودشان معین بکنند چنانچه در تمام جاهای همین ترتیب معمول است و تا اندازه ای که بنده از پارلمان انگلیس اطلاع دارم عرض می‌کنم که ببینید همین طور است که احزاب تمام به اسم لیدرهای آنها معین و اکنون با کمال احترام می‌گویم پارلمان انگلیس که ۶۷۲ عضو دارد از چهار حزب بزرگ تشکیل شده است (کنسرواتور (لیبرال) (ایرلندی) (عمله جات سه حزب از این ها همیشه در مقام بل محافظه کاران یعنی کنسرواتور عقد ائتلاف می‌بندند و هر سه حزب هم لیدر دارند و این يك نفر که الان از طرف ائتلاف معین شده است باید معلوم شود که از کدام حزب است و این هم که ائتلافیون يك لیدر برای خودشان معین کرده اند منافات ندارد با اینکه سایر احزاب هم هر يك لیدر های خودشان را معین بکنند تا اینکه آقایان بدانند که لیدر اعتدالیون و لیدر های حزب دیگر کدامند همه هر کدام از احزاب پارلمان انگلیس این است که عرض میکنم محافظه کارها ۷۴ نفر - لیبرالها ۷۲ نفر - عمله جات ۵۳ نفر - ایرلندیها ۵۷ نفر و کسب و حرفه‌آموزی فرقه که لیبرالها عمله جات ایرلندیها باشند با هم دیگر ائتلاف کرده اند و امروز هیئت دولت انگلیس را تشکیل داده اند و اسامی لیدرهایشان را هم برای استحضار آقایان نمایندگان عرض میکنم [بالفور] (اسکویس) هندرسون رومند است پس خوب است این احزابی که باهم دیگر يك ائتلاف کرده اند و این هیئت مؤتلفه را تشکیل کرده اند معین بکنند چند حزبند و هر يك هم لیدرهایشان و عهد خودشان را معین بکنند که تمام احزاب سیاسی معلوم و معرفی

شده مجلس ما صورت پارلمانی پیدا بکند و مواد ائتلافیه را هم که در آن ائتلاف کرده اند همه ارائه بدهند و بنده قبلاً ولو اینکه آنرا نخوانده ام و ندیده ام معتقد می‌دانم که وقتیکه خوانده شود يك چیزی است کلی‌وجه ماها که اینجا هستم سهل است تمام اهالی این مملکت آن را قبول دارند لکن در عملیات باز دچار همان اختلاف نظر های احزاب سیاسی خواهیم شد این است که تقاضا می‌کنم از آقایان که اگر ممکن است و میل دارند که این مرحله آخری را هم ببینایند و احزاب همه هر کدام را معین بفرمایند و الا خود دانند همانطور که حزب دموکرات اول حزبی بود که پروگرام خود را علناً در این مجلس بپوشید ریاست تقدیم کرد همین طور اول حزبی است که خود را معرفی میکنند بنده اسامی ایشان را می‌خوانم برای این است که آن اسامی که در پروگرام طرف هیئت مؤتلفه خوانده شد يك اظهار ائتلافی بود و بنده نمی‌توانم آنرا حزب سیاسی بخوانم زیرا که نمیدانم این چند نفر از ایشان از هیئت محترم فرقه اتفاق و ترقی و چند نفر دیگر از فرقه محترم اعتدالیون و چند نفر ایشان از اشخاص مستقل هستند و غیر از چند نفر آقایانی که اینجا خودشان را بطور استقلال معرفی کردند نمیدانم آقایان دیگری هم هستند که مستقل باشند یا اینکه سایرین تماماً داخل احزاب سیاسی هستند پس تقاضا میکنم که اگر ممکن است خودشان را معرفی بکنند که رفع شبهات و اشکالات شود در مسئله دیگر هم که چون سوء تفاهمی در آنها شده است مجبورم عرض بکنم و بعد شروع کنم بخواندن اسامی یکی همان بود که آقای ارباب فرمودند که اینکه اقلیت گفته است من مسئول نیستم ایشان با وجود اینکه يك نفر هستند و نظریات مخصوص و مستقل دارند بنا وجود این خودشان را مسئول میدانند بله آنچه که اقلیت گفته است منافی با این اظهار آقای ارباب نیست معین است که ممکن نیست يك نماینده داخل در فرقه منتهی بشود و بگوید من مسئول نیستم و این را ترجمه بکنید که مسئول نیستم یعنی من دخلی ندارد هر چه پیش می‌آید بیاید این مثل دیوار میباشد معلوم است که مسئولیت يك چیزی است که همه دارند ولی اقلیت مسئول چیست مسئول تقاضای خودشان است و البته در موقع تقاضای خودشان را می‌کنند و معایب کاری را که اکثریت مجلس و هیئت وزراء می‌خواهند اقدام کنند می‌گویند ولی آنرا وقتی که اکثریت کند در مقام عمل هیئت وزراء که انکاشان با اکثریت مجلس است اگر خطی کردند نمی‌توان گفت اقلیت مسئول است برای این که آن قانون را اقلیت که ننگذاریده است تا این که مسئول باشد و بنابر این پس از آنکه دوره تمام شد مردم نخواهند گفت که فلان وزیر فلان خلاف را کرده است بلکه بلاواسطه از وکلای دارای اکثریت خودشان خواهند پرسید و با آنها نسبت خواهند داد که شما این خطا را کرده اید و باید بروکلای اقلیت خودشان نمی‌تواند این نسبت را بدهند برای این که آنها هیئت دولت را تشکیل نداده اند و نگاهداری کابینه را در عهد نگرفته اند تا این که مسئول کار

های مملکت باشند مسئول کار های مملکت آن اکثریتی هست که تشکیل هیئت دولت را داده است و این احزاب مؤتلفه این بلوک که از امروز باید تشکیل می‌شود پس از معرفی وزراء و تعیین کابینه هر خلایق و هر عیبی که در کار های مملکت پیدا شود مسئول آنها هستند که آن کابینه را قبول کرده و این اکثریت را تشکیل داده اند نه هیئت اقلیتی که مداخله در اعمال آن اکثریت نکرده است و اینکه اقلیت مسئول این است که در موقع گذشتن يك لایحه تقبیح نکرده باشد و نگفته باشد که این لایحه فلان سبب و فلان سبب را دارد و وقتی که گفت پیش زلفت آنوقت نمی‌توان گفت بار مسئول است زیرا وقتی از او سؤال می‌کنند می‌گوید من گفتم ولی پیش زلفت و بعد از این مقدمات باز عرض می‌کنم که معلوم است اقلیت مسئول است ولی به آن معنی اولی که عرض شد و بمعنی دومی اقلیت مسئول نخواهد بود و منطقی هم نیست که کار را حزب اکثر بکنند و حزب اقل مسئول جوابات آن باشد یکی دیگر هم يك سوء تفاهمی است که حالا می‌توان گفت خارج از موضوع است که آن در خصوص اراضی است که گفته شد گفته اند آنچه در جوف اراضی است مال ممالک سطح اراضی نیست بنده از طرف حزب دموکرات رد می‌کنم که حزب دموکرات چنین عقیده ندارند و مطابق مفاد الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم آن اندازه و مقداری را که شرع ما بصاحب اراضی اختیار و اختصاص ملکیت داده است همانست.

**حاج شیخ الرئیس** - بنده معین نکردم که کدام حزب این عقیده را دارد گفتم شاید يك حزبی اینطور بگوید.

**سلیمان میرزا** - در هر صورت بنده از طرف حزب دموکرات از این نسبت دفاع میکنم که سایرین اراضی تا آن مقداری که شرعاً مالک است مختار است و می‌تواند تصرف بکند فقط چیزی که در پروگرام حزب دموکرات است آنرا هم صاحب حسی تصدیق خواهد کرد این است که هر صاحب ملک خواست ملک خودش را بفروشد و قیمت آن فرضاً به زار تومان رسید پک بانک موسوم به بانک زراعتی تشکیل بشود که آن ملکر را از آن مالک بخرد بعد به انعام قیمت بکند بین خورده مالکین پس از آن به اقساط یروش را از آنها بگیرد و گمان میکنم که این هیچ منافاتی با هیچ ترتیبی ندارد برای اینکه پس از آن آن که ملک نشد من معتادم که هر طوری که می‌تواند داشته باشم ملک خودم را بفروشم حاشا شروع می‌کنم بخواندن اسامی حزب دموکرات

اعضای شعبة پارلمانی فرقه دموکرات

آقا شیخ ابراهیم - سیدالعلماء - آقا شیخ رضا - آقا سید محمد رضا - آقا شیخ محمد - آقا سید حسین کزازی - آقا میرزا احمد قزوینی - آقا سید جلیل - آقا شیخ مهدی - آقا میرزا محمد نجابت - آقا میرزا محمد علی خان تربیت - رحیم‌الملک - علی‌زاده - آقا میرزا داودخان - منتصرالسلطان ضیاء الممالک - آقا سید حسین اردبیلی - آقا

شیخ قلامحسین - ابوالقاسم میرزا - سلیمان میرزا باید عرض کنم که این بیست اسم است نه بیست و يك و چون بفرماید از آقایان هنوز خدمتشان نرسیده ایم و فرموده اند بعد از چند روز دیگر خودم خودم را معرفی خواهم کرد و اجازه نداده اند که اسامیان را علنی بگویم لهذا بنده هم مستور می‌دارم و عرض نمی‌کنم و بعد از چند روز خودشان خواهند گفت.

**رئیس** - بنده خیلی تشکر می‌کنم هم از اکثریت مجلس و هم از اقلیت که در روز و امروز خدمتشان را معین کردند و در اینجا علنی اسامی را خوانند و معنی شدند و امیدوارم که این مسئله يك اثر فوق‌العاده در کارها بکنند و امورات بخوبی اصلاح بشود اما در مسئله پروگرام که شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند همان طوری که پیش از بنده تقاضا کردند همه کردم که صبح با ایشان بنده و در صبح هم وقتی که آمدند بهیچ ترتیبی پرسیدم که آمدند گفتند هنوز تشریف نیاورده اند این بود که از آقای آقا میرزا مرتضی قلی‌خان خواهش کردم که يك صورتی از آن بنویسند که وقتی که حضرت والا تشریف آوردند خدمت ایشان بندهم معلوم می‌شود که خودشان تشریف نیاورده اند و لاجالاً البته باید داده شود و استدعا می‌کنم که دیگر در این خصوص مذاکره نشود بهمان اینکه چند نفره دستخط مبارک از طرف آقای نایب‌السلطنه رسیده است که باید خوانده شود و همین قدر آرزو می‌کنم و امیدوارم که انشاءالله هر دو فرقه موفقیت داشته باشند و ثبات نشان بدهند که ثبات آنها در واقع اسباب این خواهد شد که هیئت مجریه ما يك ثباتی داشته باشد و کارها اصلاح بشود.

**آقا شیخ محمد خیابانی** - عرض کنم که بنده بنا به آن روش و ترتیب حرکتی که خودم دارم خیلی افتخار دارم و تشکر میکنم از اینده از کمال بی عرضی هیچ حزبی مرا خارج از خود نمی‌خواهد یعنی با مطالب سیاسی و مقاصد حزبی تمام حزبا همراه هستیم و از آن وقتی که بنده از آذربایجان به اینجا آمدم ابتدا يك مختصر تاریخی لازم است عرض کنم در اول انقلاب آذربایجان که شروع بمناقشه مشروطیت و استبداد شد اول فرقه محترم احتیامیون عامیون که گویا سوسیالیست باشند وارد آذربایجان شدند و آنوقت هم يك موقعی بود که تقبیح و تحقیق ممالک چندین مقتضی نبود و موقع فرست نمی‌داد از این جهت تمام اهالی تبریز آنها که آزاد بخواد بودند تمام مایل شدند بطرف اشخاصی که از اجتهاد عیون بودند و اشخاص کثیر از اهل تبریز بلیطاز آنها گرفتند ولی ما اشخاصی که آرزو سوسیالیست اشتراک و اتفاق دارند بلکه از حیث این بود که آنها به آزادی دعوت میکردند و آنها از این حیث با آنها همراه بودند و بنده وقتی مواد پروگرام آنها پیش نهاد شد اکثر از اهل تبریز از آن طریق بر گشتند و می‌توانم بگویم که شاید الان پنج نفر بان مسلک و عقیده اجتماع عیون عامیون باقی نباشد یعنی بعد از آن که دیدند که مواد پروگرام آنها خیلی قابل تقبیح است این بود که بر گشتند از آن ترتیب و حالا می‌بینید که از اهل تبریز هیچ کس نیست که با آن ترتیب مساعد باشد و از آن روز بنده از آن اشخاصی بودم که با آزاد بخوانم

شرکت داشتیم ولی نه آنهاست که داخل در حزب اجتماع عیون عامیون بودند فقط با آنهاست که این راه مشروع آزادی را طی می‌کردند مقدم بود ولی از آنجائی که همه را در کمال بی عرضی و سادگی شناخته بودند و می‌دانستند که هیچ غرضی ندارند بجز آزادی افراد و تأمین مملکت که شرع ما هم به آن امر کرده است این بود که همه احزاب مرا از خودشان می‌دانستند و حالا هم که اینجا آمده ام همانطور که حال خود باقی هستم در اجتماعات شعبه پارلمانی دموکرات حاضر می‌شوم و با آنها شرکت دارم لکن يك مطلبی هم هست که لازم است توضیح بدهم که هم آنچه چیزی را که آقای سلیمان میرزا اظهار کردند تصدیق بشود و هم عقیده خودم را اظهار کرده باشم این مواد مرا بنده فرقه دموکرات که در کنگره هاشان تقبیح و تنقیح می‌شد بنده در اینجا حاضر نبودم و آنچه رای مستقیم بنده در این باب است آن مواد است اینست که بعضی از آنها زود است و بعضی‌ها باید بر آن علاوه شود و اینجا هم که مقام رسمی است عرض میکنم که در مواد پروگرام این فرقه بنده شرکت نکرده ام و نمی‌توانم بگویم که قبول آن پروگرام را کرده ام و در بعضی از آن مواد هم خود بنده اشکال دارم مثل این است که اگر مراد از این کلمه دموکرات طرفدار جمهوریت باشد چنانچه امروز در یکی از کتب فرانسه به لفظ دموکرات که رسیدیم يك کسی ترجمه کرد آنرا به طرفدار جمهوریت به آن معنی که درجه افراط باشد اگر مراد از همین کلمه باشد بنده آن نیستم با اینکه مراد غیر آن است و آن چیزی است که فرانسه ترجمه میکنند این است که بنده هنوز معنی کلمه دموکرات را صحیحاً نمیدانم و چون اگر مقاصد فرقه دموکرات و اساس مطالب آنها همین‌ها است که تساوی حقوق و سلب این امتیازات و بعضی چیزهای دیگری که در قانون اساسی هم نوشته شده است باشد که با آنها گمان میکنم خواه سوسیالیست و خواه دموکرات هیچ کسی مخالفت نداشته باشد و در بعضی مواد آنها چون در هنگام نوشتن در مباحثه آن شرکت نداشته بودم از حیث رد یا قبول عقیده خود را اظهار نکرده ام پس میتوانم عرض بکنم که هنوز داخل يك فرقه نشده ام و قبول مرادنامه بنده در آنجا نکرده ام که برای این قبول نکرده ام که بنده در تأسیس فرقه غیر از اینها است و آن اینست که آنچه مسلک سوسیالیستی باشد و از شرع هم اجازه بان داده شده است تعمیر بلاد و تأمین عبادات و حفظ همان خاک که در آنجا هستیم و برای آن باید نظامنامه به این طرف تکلیف یعنی طرز روسی باشد بنویسیم و همه چیزها بیک راجع میشود قانون چون قانون را بنده برخلاف بعضی از اشخاص لایق و تغییر ناپذیر میدانم اگر چه ترجمه هائی که از اروپا می‌آورند در آنجا قانون را يك چیزی که تغییر پذیر باشد فرض میکنند ولی بنده مختصر عرض بکنم که بنده اعتقاد این است که قانون مملکت ما لایق تغییر است و ولی يوم القیامه باید باشد پس هر فرقه که بگوید قانون باید تغییر بیاید بنده آنرا جزو آن فرقه که در ایران باید تشکیل بشود نمی‌دانم چرا برای اینکه قانون ما قانون الهی است و برای ادارات و کارهای خودمان اگر باید چیزی بنویسیم

همان چیزها است فرضاً ما باید تجارت بکنیم باید قانونی که برای تجارت می‌نویسیم چیزهایی باشد که با اجازه داده شده است مثلاً در تجارت شرع ما را منع کرده است پس ما باید ماخذ را همان اصل البیع قرار بدهیم و مطابق احکام شرع خودمان قانون بنویسیم بعد از آن در توسعه تجارت باید چیز بنویسیم بعد از آن در ترتیبات آن برای این که اینها چیزهایی است که اگر خود معین ما حاضر می‌بود اجازه می‌داد که بروند برای توسعه تجارت خودشان نقش بکشند و نظامنامه بنویسند مثلاً مثلاً با یک که آمد باید طوری بکنیم که قضیه را نشود تجارت که می‌خواهیم بکنیم باید که تجارت ضرری نباشد و در آن نباشد و بالاخره ترتیبی باشد که از معین ما حارسیده است پس در این صورت بنده آن پروگرام را باین عنوان که آن مواد را قانون و نظامنامه یا تا کتبک بدانند بنظر شخص خودم بنده آنرا قبول ندارم باین جهت است که بنده داخل هیچ حزبی نشده ام و ممکن نیست بشوم مگر يك کسی که بردارد قوانین شرعی خودمان را از روی آن برای هر فرقه و نظامنامه و تا کتبک بنویسد پس مختصر می‌گویم که بنده رسماً داخل هیچ فرقه نیستم ولی به اساس مقاصد آنها همراه هستم و ممکن نیست باین فرقه‌ها داخل بشوم.

**رئیس** - دیگر در این خصوص مذاکره نمی‌کنیم برای اینکه عهد زیادی فریب ۲۰ - ۲۰ نفر اجازه خواسته اند و اگر بخواهیم مذاکره بکنیم وقت مجلس را تلف خواهد کرد.

حالا دستخطی که از طرف والا حضرت اقدس آقای نایب‌السلطنه رسیده است برای اطلاع آقایان خوانده می‌شود.

[آقای آقا میرزا ابراهیم خان بهادرت ذیل قرائت نموده]

صورت دستخط ثانی والا حضرت از قرار ذیل قرائت شد:

باعتدالیت اینکه مشروطه عبارت از حکومت و بلوغ ملت بعد رشد است که مصالح و مضار احتیاجات مشترک که خود را تشخیص داده از قبومیت غیر مستثنی شده زمان حاکمیت را باصلاً نسبت خود می‌گیرد جای شبهه نیست که چون ادای این وظیفه مشترک با حالت اجتماع برای آحاد و افراد ملت غیر مقدور است هر يك قسمت از ملت مددجوی را از طرف خود برای وضع قوانین مملکت و نظارت و اجرا ببات آن وکالت داده و حاکمیت خود را باین طریق وقتاً بدست و کلای خود انتقال می‌نماید چنان بواسطه عدم امکان اتفاق آرا نمایندگان این حاکمیت مستقر از دست عموم و کلاً بدست حزب اکثریت انتقال یافته حقیقتاً در مملکت مشروطه حزب اکثریت پارلمان حکومت نموده از طرفی خود موضع قوانین و نظارت آن اشتغال ورزیده و از طرف دیگر برای اجرای آن بنام قوه مجریه معینی را منصوب می‌نماید که به ایجاد مسلکی آن هیئت را صالح به تسلیم قوای اجرایی می‌دارند در این موقع لازم است نظر دقت نمایندگان محترم را جلب به این



نکته نمایم که چون ترتیب مذکور حکومت مملکت با اکثریت ثابت مجلس و اجرای قوانین مملکتی بشمول آنها بقوای مجریه واگذار میشود یکی از ضروریات سلطنت مشروطه اینست که همیشه اکثریت ثابت در مجلس شورای ملی موجود و با تمام قوا حافظ و نگهبان هیئت رزاع بوده آنها را از هر تزلزلی در پیشرفت مصلحت و مصالح مملکت صیانت نماید و برای اینکه گاهی ممکن است در جزئیات مسائل اجرایی اختلاف آراء نمایان حزب اکثریت و هیئت مجریه بظهور رسد حتی المقدور باید از ظهور اختلافات و تزلزل قوای دولت جلوگیری شود تبادل آراء و تماطلی انکار انصالی در میان هیئت وزراء و اکثریت از حیثیات است حتی در موقع پیشنهاد مطالب مهم نیز قبیل از آنکه وزراء بعد از کرده عملی اقدام نمایند پس باید از خیالات مجلس بخصوص از عقاید اکثریت در آن موضوع مطلع بوده خود را بفتنا گرفتار مخالفت مجلس ننمایند همگذا از طرف قوه مقننه نیز باید ملاحظاتی دقیقه نسبت به وضع مملکتی حاصل آمده در هر امر جزئی از اشکال تراشی بهیئت وزراء صرف نظر فرمایند تا فوّه مجریه بانگهی قوه مقننه که حقیقتاً تکلیف به تمام آراء ملت است مقاصد خود را در اصلاحات مملکت صورت انجام دهد و کلا نیز مکلفند در روابطی خود را با آراء عامه حفظ نموده همیشه به این وسیله از افکار و احتیاجات ملت مطلع باشند تا بتاییدی در میان آراء عموم و مفاید و کلا حاصل نشود.

تعبیه شود و در پاره‌ای مواقع ملاحظاتی و نظریات خود را بطور یادداشت به مجلس معترض تذکرات نمایم و نظریه کمال خلوص یعنی که حاصل است بعد از مصادفات مذکور توجه خاطر نمایندگان معترض را بیک نکته مهمی راجع به تشکیل پارتهای سیاسی فرض شد خواهی تصور کرده است امیدوارم به حسن قبول پذیرفته شود.

بر همه معلوم است ترتیب پارتهای سیاسی پارلمان در این اواخر طوری از مرسوم معموله مشروطیت خارج و موجب تعلیل قوای دولت شده بود که بقای هر کابینه غیر مقدور و بالاخره بواسطه بروز بغض و اوت و نمایان اشخاصی که در حفظ مملکت و مشروطیت دارای هم واحد آید باشند اساس مملکت در شرف اختلال عظیمی مشاهده می‌شد نظر باینکه پیش بینی نتایج مضره و عواقب ناگوار این احتمال ذکر مناسب در دفع آنرا بمرور غیر خواهان مملکت لازم میدانند با سلمیت اینکه انشاء الله علایم نفاق در مباحه اجزای ما مرفق است اطلاع خاطر غیر خواهان را لازم می دانم که تشکیل پارتهای سیاسی بدین بروگرام عملی یعنی که مملکت خود را بر هواخواهی با تنفر اشخاص تکیه نمیدهد با روح مشروطیت متباین و هربا جانشین دسته بندی های ایام قدیم است که نتایج آنرا تاریخ بیخیزان در روم و فرانس به ارباب اطلاع شدن داده و ثابت نموده است که چگونه ان قسم پارتهای هائزل بدسته بندی کرده ریشه آزادی و سعادت مملکت را قطع و هر نوع جلوگیری را غیر ممکن ساخته با امثال اختلافات و جنگهای داخلی مملکت را بهر هرج و مرج و آزار و هرج و مرج بحکومت جابره رسانیده است.

البته باید با نهایت سعی و میل بنیل و تکمیل آن کوشید ولی چون هماغه طوری که اسارت در تحت حکومت جابره مکرره و بلای عظیم است شک نیست که حد افراط و تفریط با رعایت رسوم و اخلاق درجات عسیده برای آزادی متصور است که آزادی حقیقی مشتمل بر مخلوط بخود ساری نشود بدیهی است آزادی هر فردی از افراد در عمل زندگانی خود تا اندازه‌ای جایز است که با آزادی دیگری خللی نرساند نمایندگان ملت با رعایت مقتضیات وقت و رسوم و عادات مملکتی باید طرق نبل این مقصود را سنجیده هر راهی که نزدیکتر به امکان و صلاح است مسلک خود قرار داده و از آن راه روزه مقصود حرکت کرده بی مغایره افراط و تفریط ب نتیجه موفق شوند همگذا در ترویج تعلیم و تربیت و انواع مسائل دیگر که برای تجدید یک ملت و حیثیات یک مملکت از آمال حتمیه است البته هیچ غیر خواهی را مغالفت و انکار نخواهد بود و اختلاف مسلک بالاخص در تعیین طرقی است که باید برای نبل مقصود اختیار نموده معین دارند که کدام اقدام در اینکار الزم و کدامیک منتفع با مطابق مقتضیات و سعادت و وسایل موجوده سهل و اصلح است البته احزاب در این قبیل مسائل باید مذاکرات نموده بدین لجاج با اظهار استبداد رأی بایکدیگر میبایست کرده و عقیده دیگر را ولو مخالف بیکدیگر باشد معترض شمرده و نیز توجه کامل نمایند که یکی از شرایط مهمه تعیین مسلک این است که نظری و فلسفی نبوده بلکه نزدیک بعمل و قابل الاجراء باشد زیرا که اساس مجلس شورای ملی بوضع قوانین و نظارت جریان آنست و باید دانست که مباحثه در مسائل و رای مجامع و نفاق و واری دشمنی و بغض است که مآلاً منتهی بپرازد کشی و قطع ریشه آزادی میشود و در صورتی که بجهت همه در اصول موافقت هیچ موقمی برای نقاضت و دشمنی باقی نیست بلکه بالمثال همه مانند فرق اسلامی اگرچه در فرور جزئی اختلافاتی دارند در کلیات و اصول باید باهم متفق و متحد بود بیک دین و مسلکی متدین و منسلک باشند و در اینصورت هیچ حاجت بییان نیست که برادر کشی و بغض و عداوت قسمی از حکومت جابره و بلکه بدتر است زیرا که هم مغفی است و هم معترف جابریت خود نیست.

حکمت آن نیز واضح است زیرا وقتی که نقطه نظر پارتهای هموم مسلک بزرگی هواخواهی با نفرت اشخص شد این مخالفتها حقیقی پذیرفته مصالح امور را فدای اغراض و اشخاص نخواهد نمود و بالاخره (اینها عارضی) یعنی حکومت جابره محدود قلبی را که مراتب بدتر و مهلک تر از حکومت یک شخص واحد جابری است در مملکت تولید خواهد نمود پس برای نمایندگان معترض که بعد از آن بوظایف خود آگاه و نسبت به ملت و مملکت خیرخواه و در کلیات مسائل که مبنی بر خیر عامه است اتفاق کلی داشته و دارند توجه به این نکات را در فرانس و پیش از همه اتفاق در یک نقطه اساسی واجب است که اول از همه چیز یک حکومت مقتدره ملی برای این مملکت موقتر ضرورت است که بتواند با معاونت مجلس آرزو و آلامت را در حفظ امنیت تامه و جلوگیری عواقب وخیمه و اجرای عدالت حقه و استقبال ترقی و سعادت مملکت و تعادل میزان دخل و خرج دولت و ترویج و تعلیم و تربیت و غیر آن سعی و جامد باشد و چون این مسائل کلیات امور متفق علیه تمام احزاب باید باشد بدیهی است کلیات را مسلک و مرامنامه نمی‌تواند نماید و بقیه مسلک در این مسائل عبارت از طرقتی است که برای نبل به این مقاصد کلیه متفق بنظر هر یک از اذنیق و اصلح آمده است آنرا برای خود مسلک اتخاذ نمایند آزادی افرا یکی از فوّه های بزرگ است که تمدن ملل در ایام برای جنس بشر تحصیل نمود

**عمر زلفانی** — این یادداشت والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه یادداشت باره انانی بنظرم نمایم این مثل این است که بیک کفر انسی داده باشد و بهامم بیک دوسری داده باشند و شایسته این است که چاپ شود و هر یک از و کلا بیک نسخه از این یادداشت در جیبش باشد که در آن غوررسی و مطالعه نماید برای اینکه این یادداشت بر مملکت ما غلبی خواهد افزود و برای رفتاری که بعد از این ما باید بکنیم خیلی حس اثر خواهد داشت دو مسئله از آن یادداشت که مخصوصاً

بنده در نظر هست یکی اینست که فرموده اند هر حزب سیاسی که مسلک معین برای خودش پیشنهاد نمی کند در خطر آنرا هست کم اصول مسلکی خودش را بر راه افراض شخصی برد آن اشخاصی که در طرفی جمع میشوند یا باید (بررسی) باشند و دور یک اصولی جمع شده باشند یا اینکه باید اشخاص باشند و بشخصیات بپردازند بدین عرض خودم مجبورم بفرانسه بگویم و مجبورم که از آقای ارباب کبچسرو عذر خواهی بکنم برای اینکه نتوانی در مقابل آنها ایستادیم و اگر اینطور نباشد بنده خواهم بکنم که کله تلگراف را بفارسی بیان بکنم که بدانیم — بکمسئله دیگری فرمودند و آن اینست که مرامنامه ها نباید آمالی و آرزویی باشد بلکه باید نزدیک به عملیات باشد در این هیچ جای شبهه نیست که هر فرقه که یک مرامنامه میگوید و اشخاصی که بدور آن مرامنامه میگردند البته این را در مد نظر داشته افلا در مدت عمر خودشان آن مرامنامه را بتوانند اجرا کنند و اگر این امید را نداشته بودند که در مدت زندگانی خودشان ولی یک مقداری از آنرا بتوانند اجرا بکنند باید در آن مرامنامه جمع نمی شدند یعنی اگر یک مرامنامه می‌بود که تصور میشد که تمام الحیات به پیروی من الوجوه بگذرانند و خود را بمریم رسیده بنده تصور نمیکنم که آنرا کسی مرامنامه احد میکند ولی چون مرامنامه ها کلیتاً بیک چیزها می هستند که بعد از چندین سال انسان باید به آنها برسد و از آن روزی که یک شخصی بایک فرقه بیک مرامنامه را برای خودش اتخاذ میکند چندین درجه را باید طی بکند از این جهت مرامنامه دیگری که آنرا تا کنیک میگویند که در آن تا کنیک معین میکنند که قدم قدم چطور پیش بروند تا اینکه بمقصد خودشان برسند و از این جهت است که بنده بهمان اندازه که بجهت فرق سیاسی با مسلک مرامنامه را لازم میدانم تا کنیک را و از این جهت است که وقتی که تا کنیک معین شد اغلبی از احزاب که ازهم خیلی دور هستند و از روی آن تا کنیک می بینند که از حالا فرضاً تا پنج شش سال دیگر میتوانند به هم بروند و باهم دیگر اختلاف میکنند و از برای آن فرقه هم هیچ عیبی نیست که با یک فرقه که در نظرات سیاسی خودشان تا اینکه سال دیگر ازهم دور هستند تا پنج سال درنا کنیک همراه باشد و اختلاف بکنند لهذا بنده این دو مسئله از یادداشت والا حضرت برداشته تا بنید میکنم که ما باید یک مرامنامه مسلکی داشته باشیم و یک مرامنامه تا کنیک که اگر از حیث تا کنیک بتوانیم با هر فرقه که در پارلمان هست اختلاف بکنیم.

**رئیس** — این حالت شرف و مسرتی که از آقایان در خدمت قرائت یادداشت والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه اظهار شد تشکر میکنم و در ضمن عرض تشکر یک مطلبی را هم میخواهم در اینجا توضیح بدهم و آن مطلب هم راجع بیک چیزی است که آقای نایب السلطنه در ضمن دستخط خودشان اشاره بآن فرمودند که در موقع نایب السلطنه اختلاف آراء احزاب مشاهده شد و در خارج و داخل هم مکرر باین مطالب اشاره شده است و این را بنده شخصاً حمل نمی کنم باینکه از اختلاف احزاب بود

**عمر زلفانی** — این یادداشت والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه یادداشت باره انانی بنظرم نمایم این مثل این است که بیک کفر انسی داده باشد و بهامم بیک دوسری داده باشند و شایسته این است که چاپ شود و هر یک از و کلا بیک نسخه از این یادداشت در جیبش باشد که در آن غوررسی و مطالعه نماید برای اینکه این یادداشت بر مملکت ما غلبی خواهد افزود و برای رفتاری که بعد از این ما باید بکنیم خیلی حس اثر خواهد داشت دو مسئله از آن یادداشت که مخصوصاً

بجهت اینکه در آن موقع همه آقایان خاطرشان مسیوق است که اغلب آقایان تصور می کردند که آقای نایب السلطنه تشریف نخواهند آورد و حاضر نیستند برای قبول این مقام و بقیه دارم که اگر این اطمینان را پیدا میکردند که ایشان تشریف میآورند یقیناً بالاتفاق ایشان را انتخاب میکردند مثل اینکه بعد از تلگراف انتخاب تلگراف دومی که در سرعت حرکت ایشان از طرف مجلس شد که در واقع بنزله انتخاب دوم ایشان بود تمام نمایندگان بالاتفاق بدون استثناء آنرا اعضاء کرده اند.

حالا چون یک دستخط دیگر هم از طرف والا حضرت رسیده است که لازم است باطلاع آقایان نمایندگان برسد خوانده میشود.

[ دستخط راجع بجزم ترتیب بودجه سنوات گذشته و جاریه و آنچه قرائت شد ] بآن مضمون البته خاطر نمایندگان معترض متوجه است که یکی از وظایف مخصوصه مجلس شورای ملی قرار جمع و خرج مملکت و ترتیب بودجه کن است و در اهمیت این نکته همیشه قرائت می شده است که جمع و خرج امور و در حقیقت بنزله خون در بدن است چه یک خانواده چه یک مملکت بدون ترتیب جمع و خرج امکان معیشت نمیتواند داشت و گذشته از تمام اینها بهترین وسیله نظارت حقیقی مجلس شورای ملی در امور مملکتی همین مسئله بودجه است که در این ترتیب میبایست بودجه کل یکی برای بقیه سال اول افتتاح مجلس یکی برای سال گذشته و دیگری برای سه آینه در مجلس پیشنهاد و مرتب شده باشد و با کمال تأسف مشاهده میشود که از هیچیک آنها انری نیست و اوقات مجلس بیشتر به خارج جزیه مصرف شده اگر هم جمع و خرج در مجلس مورد ملاحظه است مخارج گذشته است که بطور حساب پس دادن آورده اند و راجع بمجلس نباید بشود و حال آنکه معنی بودجه این است که مجلس قبل از وقت اجازه آنرا بدهد.

لذا خاطر نمایندگان معترض را باین نکته مهم جلب مینمایم البته وزراء عظام نیز در ادای وظایف این تکلیف مهم غفلت نخواهند نمود.

( ابوالقاسم )

**رئیس** — در این هم که ان ندارم کسی مخالفتی داشته باشد که در این مدت میبایستی سه بودجه بمجلس آمده باشد و تا کنون هیچیک نیامده است و هر چه هم که آمده است نمی توانیم آنها را بودجه بنمایم بلکه یک صورت حسابی بوده است و نظریاتمان موافق است با نظریات والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه و امیدواریم که زودتر از طرف وزارت مالیه بودجه ها بمجلس پیشنهاد بشود که ما هم تکلیف خودمان را در آنها بعمل بیاوریم حالا ده دقیقه تنفس میشود و بعد از آن شروع بمذاکره دستور امروزی میشود.

[ بعد از تنفس مجدداً جلسه تشکیل گردید ]

**رئیس** — در باب ماده ۶۲ و ۶۳ قانون دیوان محاسبات در روز مذاکرات لازمه بعمل آمده است و فرارشد بعد از این که عده کافی شد بیک مرتبه بخوانیم و رأی بگیریم .

بنده در نظر هست یکی اینست که فرموده اند هر حزب سیاسی که مسلک معین برای خودش پیشنهاد نمی کند در خطر آنرا هست کم اصول مسلکی خودش را بر راه افراض شخصی برد آن اشخاصی که در طرفی جمع میشوند یا باید (بررسی) باشند و دور یک اصولی جمع شده باشند یا اینکه باید اشخاص باشند و بشخصیات بپردازند بدین عرض خودم مجبورم بفرانسه بگویم و مجبورم که از آقای ارباب کبچسرو عذر خواهی بکنم برای اینکه نتوانی در مقابل آنها ایستادیم و اگر اینطور نباشد بنده خواهم بکنم که کله تلگراف را بفارسی بیان بکنم که بدانیم — بکمسئله دیگری فرمودند و آن اینست که مرامنامه ها نباید آمالی و آرزویی باشد بلکه باید نزدیک به عملیات باشد در این هیچ جای شبهه نیست که هر فرقه که یک مرامنامه میگوید و اشخاصی که بدور آن مرامنامه میگردند البته این را در مد نظر داشته افلا در مدت عمر خودشان آن مرامنامه را بتوانند اجرا کنند و اگر این امید را نداشته بودند که در مدت زندگانی خودشان ولی یک مقداری از آنرا بتوانند اجرا بکنند باید در آن مرامنامه جمع نمی شدند یعنی اگر یک مرامنامه می‌بود که تصور میشد که تمام الحیات به پیروی من الوجوه بگذرانند و خود را بمریم رسیده بنده تصور نمیکنم که آنرا کسی مرامنامه احد میکند ولی چون مرامنامه ها کلیتاً بیک چیزها می هستند که بعد از چندین سال انسان باید به آنها برسد و از آن روزی که یک شخصی بایک فرقه بیک مرامنامه را برای خودش اتخاذ میکند چندین درجه را باید طی بکند از این جهت مرامنامه دیگری که آنرا تا کنیک میگویند که در آن تا کنیک معین میکنند که قدم قدم چطور پیش بروند تا اینکه بمقصد خودشان برسند و از این جهت است که بنده بهمان اندازه که بجهت فرق سیاسی با مسلک مرامنامه را لازم میدانم تا کنیک را و از این جهت است که وقتی که تا کنیک معین شد اغلبی از احزاب که ازهم خیلی دور هستند و از روی آن تا کنیک می بینند که از حالا فرضاً تا پنج شش سال دیگر میتوانند به هم بروند و باهم دیگر اختلاف میکنند و از برای آن فرقه هم هیچ عیبی نیست که با یک فرقه که در نظرات سیاسی خودشان تا اینکه سال دیگر ازهم دور هستند تا پنج سال درنا کنیک همراه باشد و اختلاف بکنند لهذا بنده این دو مسئله از یادداشت والا حضرت برداشته تا بنید میکنم که ما باید یک مرامنامه مسلکی داشته باشیم و یک مرامنامه تا کنیک که اگر از حیث تا کنیک بتوانیم با هر فرقه که در پارلمان هست اختلاف بکنیم.

حالا یک مرتبه آنها را میخوانیم و رأی هم می گیریم .

[ ماده ۶۲ بمبارت ذیل قرائت شد ]

ماده ۶۲ — هر گاه مدتی که از طرف دیوان محاسبات معین شده منقضی شود و صاحب جمع مزبور صورت حساب را تسلیم ننماید دیوان محاسبات بجزم این تاخیر امر نماید با مستعفی که از نصف مواجب و مدد معاش سالانه و یا حتی آنچه متجاوز نباشد و نیز میتواند نسبت با اهمیت مرفوع انفصال موقتی و یا عزل دائمی او را از وزارتخانه متبرعه اش بفرماید این تنبیهات با شرایط نظارت و ریاستی که ادارات دولتی نسبت بمأمورین خود دارند منافات نخواهد داشت اگر چنانچه صاحب جمع باز هم از ارائه حساب امتناع نماید بحکم دیوان محاسبات حساب صاحب جمع به اتمام مدعی العموم مرتب و بدیوان محاسبات تسلیم میشود که پس از رسیدگی در باره آن حکم صادر کنند هر نوع مظالمی که از این باب حاصل میشود بعهده صاحب جمع است.

**رئیس** — حالا رأی میگیریم باین ماده بطریقیکه خوانده شد .

کسانی که باین ماده موافقت دارند قیام نمایند .

( اغلب قیام نمودند )

**رئیس** — با اکثریت تصویب شد حالا ماده ۱۴۰ قرائت میشود .

( باین عبارت قرائت شد )

ماده ۱۴۰ — مقرری اعضاء دیوان محاسبات و دفتر دار کل مدعی العموم برار ذیل است:

رئیس کل یکماهه ۱۸۰۰ قران

رؤسای محاکم و مدعی العموم نقری یکماهه ۱۳۰۰ قران

مستشاران و دفتر دار کل نقری ۱۰۰۰ قران

میزین نقری ۸۰۰ قران

**رئیس** — در فرقه اول که رئیس کل است دو فرقه پیشنهاد شد است یکی از آقای میرزا اسدالله خان یکی از آقایان ارضی خوانده میشود و رأی گرفته میشود در قابلیت توجه آنها .

**اسدالله خان** — بنده پیشنهاد خودم را پس می گیرم چون آن ذنهای لازم در کسب و بون شده است .

**افشار الواعظین** — بنده هم پیشنهاد خودم را پس می گیرم .

**رئیس** — آقایان پیشنهاد خودشان را پس گرفتند .

حالا رأی میگیریم بصورت کسب و بون که حقوق رئیس کل یکماهه ۱۸۰ تومان تصویب شده است . کسانی که تصویب کسب و بون را تصویب می کنند قیام نمایند .

( با اکثریت تصویب شد )

[ فرقه نایب خوانده شد ]

**رئیس** — کسانی که فرقه نایب را که ۱۳۰ تومان از برای رؤسای محاکم و مدعی العموم معین کرده است تصویب مینمایند قیام نمایند .



[با کثرت تصویب شد]  
[فرمانالفرمان شد]

**رئیس** - کسانیکه فقره سیم را که به مستشاران و دفتردار کل ۱۰۰ تومان داده شود تصویب میفرمایند قیام نمایند .

[با کثرت تصویب شد - فقره چهارم قرائت شد]

**رئیس** - کسانیکه فقره چهارم را مطابق راپورت کمیسیون در حق موبین نفری ۸۰ تومان بکاماه تصویب میکنند قیام نمایند .

با کثرت تصویب شد

**رئیس** - حالا بنام ماده رای میگیریم .  
**حاج سید ابراهیم ملزسی** - بمقتیده بنده این قانون یک دو تقیسه دیگر دارد که باید ضمیمه شود باین قانون آنوقت رای گرفته شود .

**رئیس** - بنده میخواستم رای کلی بگیرم رای بکنیه این ماده اخیر گرفته میشود رای بکنیه قانون بعد گرفته میشود حالا رای میگیریم بماده ۱۴۰ کسانیکه ماده ۱۴۰ را تصویب میکنند قیام نمایند .

**رئیس** - با کثرت تصویب شد

حالا رای میگیریم بکنیه قانون دیوان محاسبات يك ماده بود در خصوص تعیین حدود اعضاء دیوان محاسبات که اگر از حدود خود خارج شدند ارجاع کرده بود بوزارت مانیه یا رئیس کل که پیشنهاد میکنند بجنس و عزل او را میخواستند که در ماده پیش بود که معائنات را چه بمنزل او وزارت مانیه یا رئیس کل پیشنهاد مجلس می کنند ولی در باب رئیس کل اشاره نشده است که اگر از حدود خود تجاوز کرد در آنجا تکلیف چیست و بنده عرض میکنم تا این مسئله معلوم نشود که رئیس کل مسئول کیست اگر مسئول وزارت مانیه است یا اینکه این هیئت هیئت ملی است و تا مدتی هم بر بنیاد معضول نباشند این نهاد دارد و اگر مسئول مجلس است این هم نیست بجهت اینکه

وزراء را میشود اینجا احضار کرد پس باید معلوم کرد که رئیس دیوان محاسبات مسئول کیست که اگر از حدود خود تجاوز کرد چه باید کرد مجازاتش چیست و دیگر آنکه هر قانونی که ما نوشتم چون مجازاتی برایش مینویسیم بکار می آید مثلا اگر در قانون بنده وقتی که می نوشتم ملاحظه اینرا کرده بودم که اگر اعضاء بنده بکنایف خود رفتار نکنند تکلیف چیست آنوقت خیلی از زحمات ما کم میشد و همچنین در سایر قوانین پس بنده عرض میکنم که اگر در این قانون بعضی از اصطلاحات تعیین تکلیف محدود و مجازات آنها بهتر بود بجهت اینکه

اگر ما بفرماییم این قانون بتأثیر بنده باید محدود و مجازات اعضاء دیوان را مینویسیم که ترتیب عزل و نصب اعضاء و همچنین ترتیب عزل و نصب رئیس کل که بهتر ترتیب باشد و الا این قانون بنده دچار اشکالات خواهد بود

**حاج آقا** - راجع پیشنهاد عزل و اخراج همان دو ماده که نوشته شده گمان میکنم کافی باشد بجهت اینکه نوشته شده اعضاء دیوان محاسبات خارج

نست و بدیهی است که اگر لزوم پیدا کند عزل او وزیر مانیه می تواند عزل و اخراج او را پیشنهاد مجلس کند و عزل او را بخواهد و گمان میکنم مذاکره کافی باشد و در خصوص مجازات که فرمودند از برای کایه این قوانین که نوشته شده باید بکنایف نوشته شود در مجازات و اگر بنا شود از برای هر يك از قوانین بکنایف مجازات بملوی آن نوشته شود این این خینی چیز زیادی خواهد شد پس يك قانون مجازات از برای کلیه دوائر دولتی انشاء الله آنهم از طرف وزراء پیشنهاد میشود و در مجلس خواهد گذشت .

**رئیس** - حالا بکنیه قانون دیوان محاسبات رای میگیریم .

کسانی که این قانون دیوان محاسبات را تصویب می نمایند قیام نمایند .

[اغلب قیام نمودند]

**رئیس** - به اکثریت ۶۰ نفر از ۷۳ نفر تصویب شد . حالا قانون ثبت اسناد خوانده میشود .

**مؤتمن الملک** - قانون مالیات تریاک يك ماده اش بیشتر نامنصف است خوب است آنرا مقدم داریم .

**رئیس** - چون آنهم جزو دستور است مقدم می داریم آن ماده قانون تریاک را بخوانید .

[قرائت شد]

لا یجوز قانونی مالیات تریاک را که پس از تصویب ماده اول یا پیشنهادهای راجعه بماده دو بکمیسیون رجوع شده بود پس از چندین مذاکرات لازم عقیده کمیسیون بر این شد :

که اولاً در ماده بمذاکراته تریاک لفظ مانیه اضافه شود .

ثانیاً ماده دو را به ترتیب ذیل اصلاح و پیشنهاد می نماید :

ماده دو - محض جلوگیری از مضار استعمال تریاک و شیره سوخته آن اولاً دولت سوخته تریاک و فروش شیره آنرا منحصراً مقصود خواهد بود و هر منقال شیره سوخته هر قدر برای دولت تمام شود بلاضافه سیصد تن بفرش میرسد ثانیاً اول سال سیم تا آخر سال هفتم بمذاکراته وضع این قانون هر ساله بمرمقال تریاک و شیره سوخته بکصد و پنجاه دینار بر مالیات سال قبل افزوده میشود و از اول سال هشتم استعمال شیره کلیتاً و استعمال تریاک غیر از آنچه برای در لازم است ممنوع خواهد بود

(ماده ۲ ماده ۴ مطابق راپورت سابق کمیسیون عیناً تصویب شد -)

**رئیس** - خاطر مبارک آقایان مبدوق است که تقاضای فوریت این قانون شده است پس این موادی که خوانده می شود یکی یکی رای می گیریم و خواهش میکنم از آقایانی که نشان من مفضل است پای تریبون تشریف بیاورند .

**حاج وکیل الرعایا** - چون عرض بنده مختصر است همینجا عرض می کنم در صورتی که دولت متعذر است این باشد که بواسطه ایجاد يك

میشود و از برای جلوگیری از قاچاق بطوریکه در ماده آخر ذکر میشود وزارت مانیه مجاز است يك اداره تقییش قاچاق ترتیب بدهد چنانچه در سال گذشته قرار داده بودند و چون مقصود وضع گرفتن مالیات از تریاک بود کاری که کمیسیون کرد برای این مسئله چند اداره تریاک مالی مین کردند که بیاورند آنجا بمالند اولاً متساوی ترتیب می دهند و مالیاتش را میگیرند پس همانطوریکه منظور نظر است آن مقصود بعمل می آید و بآن نظامنامه که

وزارت مانیه بدون خواهد ساخت بدون اینکه پاره ای معظورات بعضی احتمالات داشته باشد و هیچ از ابتداء مقصود مانده است که ایالت از شیراز تریاک گرفته شود و این را که نوشته اند که آنرا وزارت مانیه جزو نظامنامه خودش باید طوری بکنند که اسباب اشکال فراهم نباشد و طوری بکنند که جلوگیری از قاچاق بشود .

**حاج وکیل الرعایا** - شاید بنده نتوانم که عرض آقایان برسانم که مقصود من هم همان چیز است که مغیر معترض برض آقایان رسانیدند مقصود بنده این بود که از شیراز تریاک وقتی که از خشکاش بیرون می آید بگیرند زیر بنده حامی بشارت تجارت مملکت هستم که آخر نجات مملکت بسته باوست بلکه اگر برای بنده بود شاید راضی می شدم که گمرک را هم بشبیه شود برای همین مقصود مقدس عرض کردم که اینجا دولت از يك قانون دولت بگذرد یکی اینکه از مالیات و قاچاق و یکی دیگر در تقب تجارتی که همه کس می دانند که تا چند انداز

بجارت ایران از این چیز خیلی مختصر ضرر وارد آید و چه خانواده های بزرگ را سرنگون همین تریاک های تقلبی را که حمل کردند بچین و مهل گردید که خیلی انتضاح برای این مملکت و تجارت ایران باز آورد که واقع خیلی مضر بود برای این مملکت وقتی که خاطر من می آید چه عرض کنم که چه حالی بستم می آید مقصودم این بود که آن خطر هم از این مسئله رفع شود که کلیه تریاک در تحت نظر دولت در يك جا جمع شود و مایه شود همین که مایه شد دو حال پیدا میکند یکی این که چگونه در يك صندوق می بندند و این باب چنین است و حمل می شود و دو مش اوله میشود برای مصرف مملکتی بترتیبی که خودشان مقرر خواهند فرمود و يك راهی برای گرفتن مالیاتش بدست خواهد آمد که بهتر از هر ترتیبی است و آنچه از مملکت خارج می شود در سرحد جواز می دهند و گمرک ادرا می بردند و بدون تقب می برند و آن چو نه را هم بصرف داخله برای کشیدن که ممکنست رسانند لذا همان چو نه هم مهر دولتی می خورد و این تجارتی که از دست شما رفته است بدست خواهد آمد .

**فهییم الملک** - در اینجا لازم است خاطر حاج وکیل الرعایا را مستحض سازم که منتظر نباشند که تریاک هائی که از ایران خارج می شده است يك اهمیت پیدا کند و باز هم بخارج حمل شود بلکه منتظر باشند که تمام بر گردد زیرا همه تریاک ها در چین توقیف شده است تمام برمی گردد به مملکت

زیرا در آنجا اقداماتی کرده اند که متعرب درسه سال دیگر بکلی موقوف و استعمال نمیشود و ثانیاً برای استحضار خاطر مبارکشان عرض می کنم الان مقدار کلی از تریاک های ایرانی ما مخصوصاً توقیف است و هیچ استعمال نخواهد شد و مقداری از زمین های زراعت تریاک را بجای تریاک باید چیز های دیگر بکار برند زیرا هیچ استعمال در آتیبه نخواهد شد .

**وکیل التجار** - بنده باین لفظ مایه مخالف هستم که در اینجا نوشته شود به يك ملاحظه خیلی مهم يك قسمت در اظهار کردند که تریاک مایه يك قسمت بزرگش است که برای حمل بخارج مایه شود و ممکن است همانرا نیز سائلند برای مصرف داخلی باسم حمل بخارج و چیز دیگری را هم می خورم عرض کنم در این جور موارد و مواد در اینجا خصوصاً این را ملتفت باشند که ما در اینجا يك مالیات از برای جلوگیری از استعمال تریاک قانونی وضع میکنیم و اگر بخواهیم تمام زنیات و قاچاق او را در اینجا بگیریم این خیلی مشکل است که باید فقط برای کلی را در اینجا داد و در وزارت خانه این اقدامات را خواهند کرد و برای جلوگیری نظامنامه ای که لازم است بطور صحیح وضع خواهند کرد و بطور خیلی صحیح و سختی جلوگیری او بعد از يك بغض تجریه ای میشود یعنی در يك وزارتخانه که تجربه کردند و دیدند که از فلان ترتیبی که دادند باز قاچاق میکنند و مضایقه استعمال می کنند ترتیب سختی می بینند و این چیزها را در این قانون که مواضع نمیتوانیم بکنیم که بماده و سه ماده قانون اینها را جلوگیری کرد این غیر ممکن است این باید باینجا بوزارتخانه در مدت معینی با نه بیاورند و با نامتجانان در ارتقاء جلوگیری شود بتدریج در مدت يكسال دو سال سه سال تا آنوقت بکلی قطع شود و اینکه بنده عرض کردم لفظ مایه را در اینجا برای جلوگیری از قاچاق است خیر بلکه برای اینکه تریاک در خارج هر خانه تریاک کلی میگرد و میماند آنوقت متعرب هر خانه ممکن است شوند که اینجا تریاک بمالند او بگوید که برای تجارت و حمل بخارج مایه میشود آنوقت بگوید خیر برای مصرف مملکت بمالند و يك اسباب زحمتی بشود اینکه بنده عرض میکنم که این جزئیات را باید با گذاشت بوزارت مانیه و لفظ مایه را باید برداشت و گذاشت بخودشان آنوقت بنده گمان میکنم اگر يك چیزی بگذرد اینطور صلاح بدانند همان تریاک که از خشکاش وقتی که بیرون می آید مالیات بگیرند و آن قسمتش که خارج میشود از مملکت مالیاتش رد کنند که دیگر هیچ ممکن نشود برای این که قاچاق کنند را رد کنند این يك ترتیبی است که بعد بطور امتحان معلوم خواهد شد .

**حاج شیخ احمد آلای** - اما اینکه میفرمایند لفظ مایه را اینجا بردارند بنده بر حسب عقیده ام عرض میکنم برای کلی نبودن ماده خیلی لازم است زیرا احساس کردم وضع مأمورین خود ما را که جقدر اسباب زحمت و وقتی که يك همچو مطالب را بدست آنها بدهیم آنوقت در تمام دهات و بلوگات هر بیچاره که يك جزئی تریاک زحمت کشیده عمل آورده مأمورین قسمی میسازند که بکلی از زراعت مأیوس میشوند خوبست در این فقره توجه شود .

**رئیس** - به آن ماده نرسیده ایم هنوز

**کاشف** - بنده عرض میکنم که مقصود از این ماده دویم در مقصود است که در نظر گرفته و حال آنکه یکی از این دو مقصود اساسی ندارد این دو مقصودی که دولت در نظر گرفته یکی ترتیب گرفتن مالیات است از این محصول و یکی جلوگیری از مضار این چیزی که تا بحال اسباب تنزل و ضرر مردم شده است یکی هم عرض کرده ام از برای اخذ مالیاتش است در صورتی که قسم اخیرش بنده اعتقاد ندارم برای اینکه بدیهی است که دولت برای جلوگیری از ضرر اینکار را می کند اگر بجهت جلوگیری از ضرر باشد آن ضرری که در تریاک مایه هست بدیهی است که در تریاک مایه هم هست پس بطور می توان گفت که از مایه يك مالیاتی بگیرند و از مایه نگینند در ماده اول این قانون در جمله گذشته عرض کردم و دیگر تکرار نمی کنم ولی اینکه دوم مرتبه کمیسیون لفظ مایه را زیاد کرده ممکن است هر کس تریاک مایه را بیاورد و خودش

بمالد و آن چیزی که مقصود دولت است بعمل نیاید و هم ضررش را هم مردم باشد دوم دولت نتواند آن قسمی که باید جلوگیری نماید بکنند این بهتر است که بطور صراحت معلوم باشد ما میگیریم که دولت خودش ترتیبی برای جلوگیری از قاچاق و غیره خواهد داد خیلی خوب است که این ملاحظه را هم بکنیم که در وقت گذراندن قانون صحیح بگذرد و آن مقصود بعمل می آید به معض اینکه نوشته شده مایه چینی میماند (مالیه آزاد) است و هر کس میتواند که مایه را خودش بیاورد بمالد و این هیچ چیز او را نمی تواند جلوگیری کند و اما در خصوص اینکه فرمودند در خارج تریاک نخواهد رفت بنده عرض میکنم که حال آن که تکلیف می کنیم فرمایش آقاسی مغیر را اگر این مطلب صحیح باشد این خیلی لازم است که جلوگیری از ورود از خارج را هم کرد به است که همان طوری که گفته شد از خارج بيك قیمت خیلی مناسبی بگیرند همان طوری که از بعضی چیز هائی که خارجه ها اینکار را میکنند و ما نمی توانستیم بکنیم در این خصوص چهار معظورات خواهیم شد

پس بنده تقاضا می کنم که به مایه هم مالیات بسته شود که مقصود دولت هم درست بعمل بیاید

**فهییم الملک** - بنده خیلی تعجب می کنم از فرمایشات آقای کاشف بجهت اینکه یکی از اشخاصی که مخالف بودند باین ماده که این مالیات تریاک مهم نوشته شده آقای کاشف بودند که میفرمایند مراد تریاک مایه است در روز بعد از بنده توضیح خواستند که مراد کدام است این از مایه است مالیات میگیرند یا از مایه است اگر مایه است چرا توضیح نمی فرمایند بنده گمان می کنم از راپورت کمیسیون مخالف هستند عرض می کنم که مقصود وزارت مانیه و نه کمیسیون و نه مجلس مقصودشان نیست که از تریاک مایه یا مایه مالیات گرفته شود مقصودشان این است که از تریاک مالیات گرفته شود یعنی از آن چیزی که در داخله استعمال می شود مقصود این است که از مالیاتی که گرفته می شود از تریاک مایه گرفته شود و شیره مایه چون محل استعمالی ندارد که از آن مالیات بگیرند

**رئیس** - بنده عرض میکنم که این جزئیات را باید با گذاشت بوزارت مانیه و لفظ مایه را باید برداشت و گذاشت بخودشان آنوقت بنده گمان میکنم اگر يك چیزی بگذرد اینطور صلاح بدانند همان تریاک که از خشکاش وقتی که بیرون می آید مالیات بگیرند و آن قسمتش که خارج میشود از مملکت مالیاتش رد کنند که دیگر هیچ ممکن نشود برای این که قاچاق کنند را رد کنند این يك ترتیبی است که بعد بطور امتحان معلوم خواهد شد .

**حاج شیخ احمد آلای** - اما اینکه میفرمایند لفظ مایه را اینجا بردارند بنده بر حسب عقیده ام عرض میکنم برای کلی نبودن ماده خیلی لازم است زیرا احساس کردم وضع مأمورین خود ما را که جقدر اسباب زحمت و وقتی که يك همچو مطالب را بدست آنها بدهیم آنوقت در تمام دهات و بلوگات هر بیچاره که يك جزئی تریاک زحمت کشیده عمل آورده مأمورین قسمی میسازند که بکلی از زراعت مأیوس میشوند خوبست در این فقره توجه شود .

**رئیس** - به آن ماده نرسیده ایم هنوز

**کاشف** - بنده عرض میکنم که مقصود از این ماده دویم در مقصود است که در نظر گرفته و حال آنکه یکی از این دو مقصود اساسی ندارد این دو مقصودی که دولت در نظر گرفته یکی ترتیب گرفتن مالیات است از این محصول و یکی جلوگیری از مضار این چیزی که تا بحال اسباب تنزل و ضرر مردم شده است یکی هم عرض کرده ام از برای اخذ مالیاتش است در صورتی که قسم اخیرش بنده اعتقاد ندارم برای اینکه بدیهی است که دولت برای جلوگیری از ضرر اینکار را می کند اگر بجهت جلوگیری از ضرر باشد آن ضرری که در تریاک مایه هست بدیهی است که در تریاک مایه هم هست پس بطور می توان گفت که از مایه يك مالیاتی بگیرند و از مایه نگینند در ماده اول این قانون در جمله گذشته عرض کردم و دیگر تکرار نمی کنم ولی اینکه دوم مرتبه کمیسیون لفظ مایه را زیاد کرده ممکن است هر کس تریاک مایه را بیاورد و خودش بمالد و این هیچ چیز او را نمی تواند جلوگیری کند و اما در خصوص اینکه فرمودند در خارج تریاک نخواهد رفت بنده عرض میکنم که حال آن که تکلیف می کنیم فرمایش آقاسی مغیر را اگر این مطلب صحیح باشد این خیلی لازم است که جلوگیری از ورود از خارج را هم کرد به است که همان طوری که گفته شد از خارج بيك قیمت خیلی مناسبی بگیرند همان طوری که از بعضی چیز هائی که خارجه ها اینکار را میکنند و ما نمی توانستیم بکنیم در این خصوص چهار معظورات خواهیم شد

پس بنده تقاضا می کنم که به مایه هم مالیات بسته شود که مقصود دولت هم درست بعمل بیاید

**فهییم الملک** - بنده خیلی تعجب می کنم از فرمایشات آقای کاشف بجهت اینکه یکی از اشخاصی که مخالف بودند باین ماده که این مالیات تریاک مهم نوشته شده آقای کاشف بودند که میفرمایند مراد تریاک مایه است در روز بعد از بنده توضیح خواستند که مراد کدام است این از مایه است مالیات میگیرند یا از مایه است اگر مایه است چرا توضیح نمی فرمایند بنده گمان می کنم از راپورت کمیسیون مخالف هستند عرض می کنم که مقصود وزارت مانیه و نه کمیسیون و نه مجلس مقصودشان نیست که از تریاک مایه یا مایه مالیات گرفته شود مقصودشان این است که از تریاک مالیات گرفته شود یعنی از آن چیزی که در داخله استعمال می شود مقصود این است که از مالیاتی که گرفته می شود از تریاک مایه گرفته شود و شیره مایه چون محل استعمالی ندارد که از آن مالیات بگیرند

**رئیس** - بنده عرض میکنم که این جزئیات را باید با گذاشت بوزارت مانیه و لفظ مایه را باید برداشت و گذاشت بخودشان آنوقت بنده گمان میکنم اگر يك چیزی بگذرد اینطور صلاح بدانند همان تریاک که از خشکاش وقتی که بیرون می آید مالیات بگیرند و آن قسمتش که خارج میشود از مملکت مالیاتش رد کنند که دیگر هیچ ممکن نشود برای این که قاچاق کنند را رد کنند این يك ترتیبی است که بعد بطور امتحان معلوم خواهد شد .

**حاج شیخ احمد آلای** - اما اینکه میفرمایند لفظ مایه را اینجا بردارند بنده بر حسب عقیده ام عرض میکنم برای کلی نبودن ماده خیلی لازم است زیرا احساس کردم وضع مأمورین خود ما را که جقدر اسباب زحمت و وقتی که يك همچو مطالب را بدست آنها بدهیم آنوقت در تمام دهات و بلوگات هر بیچاره که يك جزئی تریاک زحمت کشیده عمل آورده مأمورین قسمی میسازند که بکلی از زراعت مأیوس میشوند خوبست در این فقره توجه شود .

**رئیس** - به آن ماده نرسیده ایم هنوز







بعل شیره کشیدن منع نبوده هر چه می خواستند می کشیدند و استعمال می کردند و آقایان این جا بیان یک آمال و آرزوی را کردند که خوبست دولت فدغن بکند که شیره دیگر کشیده نشود بنده خیلی خوب می دانم که این بهترین آرزو و بهترین آمالها است ولی بنده عرض می کنم و عمومیت می دهم و شامل تریاک و چیز های دیگر هم که مضر است بعل مملکت می گویم کلبتاً هر داری را که در این مملکت است و نیکت ضرر آنها بیشتر است چنانچه خود این مسئله را هم کمیسیون منتقل بآن شده است ولی این مقصودی را که ما در نظر داریم بیبینم آیا ممکن است باین مقصود یک مرتبه رسید یا باید درجاتی را طی کرد تا باین برسیم بعقیده بنده یک چیزی را که عادت مردم شده علی الخصوص یک همچو مسئله مهمی را که داخل در طبیعت مردم شده و یک طبیعت ثانوی شده است نمی توان مجری کرد و یکی از آن چیزهایی را که باین مقن ملاحظه کند در موقع قانونگذاری اجرای آن قانون است بکند آن چیزی باشد که ممکن الاجراء باشد والا آمالهای خوب روی دنیا را بخرایم آمال آرزوی خودمان قرار بدهیم وقتی که اجرا نشد چه فایده و آنوقتی که قیام و قعود می کنیم خود ما هم باید مطمئن باشیم که این قانون بطوری که ما می خواهیم مجری نخواهد شد مثلا در لایحه می گوید که بعد از ۸ سال باید طوری کرد که شیر کشیدن بکلی ممنوع باشد این را باید چه طریق کرد راهش این است که اول قدمی که برمی دارند و بعوض این که هر کس یک دکان شیره فروشی باز نکند و بعد از ۸ سال که می خواهند ترک بکنند برعکس در همان جایی هستند الا بانشد دولت تمام را در تصرف خود بیارند تازه ببینند که بله دولت شیره فروشی میکند ولی بنده عرض میکنم این امرشان دولت نیست دولت میتواند خیلی از این قسم کارها بکند و ثروتی برای خودش از هر چیزی که ممکن است حاصل بکند علی الخصوص یک چنین چیزی را که اداره کردن ارباب یک درجه مضار است او را زایل میکند پس برای این مقصود اول قسمیکه دولت بر می ندارد میگوید این شیره که هر کس می تواند بمل آورده باشد خود متصدی می شود و در آن مدتی که این کار را میکنم یک طوری خواهم کرد که متدرجاً اینکار متروک شود و این ترقیبی است که بنده بعقیده ام بهترین شرفی است و ممکن است از آن نتیجه بگیریم برای هر مقصودی قدم را چنان باید برداشت که تمام ملاحظات باید بشود و البته باید یاد بیارند آن کسانی را که شیره کشیدن را نمیتوانند ترک کنند و اگر ترک کنند می میرند مردن یا اطاعت قانون را کردن البته عدم اطاعت قانون را ترجیح خواهند داد بر مردن

**آقا سید حسن مدرس** - فرمایش آقا در عملیات بود بنده هم در عملیات عرض میکنم ما اگر امروز حکم کنیم که بچسبیم آن نغز در این مملکت میتوانیم چرا بجهت اینکه بمل دارد اجرای آن قانون در او ممکن است لاین متفق علیه است و از قرائی که

میگویند آنهایی که اهل بصیرت هستند میگویند آنهایی که شیره می کشند می توانند تریاک بکشند منتها یک مقدار شیره می کشد حالا دو مقال تریاک میکشد از شیره کشی به تریاک کشی می آید و کم کم تریاک کشی هم ترک میشود لذا حکم دهی که اگر لایب شدیم می کنیم بعد از این که فرمودند شیره کشی مضار است و آقایان هم فرمودند و مجلس هم برای خدمت به مملکت سخت گیری و جلوگیری کند که شیره نکشند چرا برای اینکه ضرر دارد و سختی هم هر چه بکنند کسی نمی میرد بجهت این که یول دارد

**فهییم الملک** - برای استحضار خاطر آقایان عرض میکنم بدل شیره تریاک نخواهد بود زیرا در انتقال تریاک عرض هیچ مقداری از شیره نمی شود و هیچ مملکتی نیست که آن اشخاص شیره کش شیره را ترک کنند و تریاک بکشند و این راهم عرض میکنم اشخاصی که مبتلا هستند به استعمال شیره اسباب رواج فوق العاده این متاع خواهد شد - حالا منع میکنند باینی کنید معتزید

**حاج آقا** - بنده چون می بینم این سباحته بیشتر از اول شده تقاضا می کنم که این ماده در مرتبه بدو این که رای گرفته شود برگردد به کمیسیون برای تجدید نظر برای این که آقای مدرس و آقای امام یک تبادل فکری بکنند و لازم است اینجا عرض کنم که نظر حقیقی کمیسیون در این باب بچه بود نظر حقیقی چنانچه تشریف آوردند و گفتگو شد نقطه نظر حقیقی کمیسیون بکلی متروک شدن همین ماده مضره از مملکت است ولی پیشنهاد شده بود در این باب که یکی از آن پیشنهاد آقای دکتر علی خان راجع به معاش بود بالکلیه و کمیسیون نظراتی که داشت این بود که بکلی منع شیره و آیا این را میتوان اجرا کرد یا نه می شود و در این باب این را ملحوظ داشت که آیا اجرایش امکان دارد یا ندارد و اشکال اجرایش هر دو را باید ملاحظه کرد و یکی آنکه فرمودند بدل ندرت یا ندارد و در سورتی که بدل ندارد مقام اجرا در چهار مظهرات و مشکلات سخت می شویم یا نه بشویم و در مقام بدل داشتن یا نداشتن اعضای کمیسیون با نیلی از اکثر ها گفتگو کردند بعضی ما نظرشان این بود که تریاک بدل شیره نمیشود اگر چه دکتر علی خان فرمودند ممکن است ولی کسان دیگر از اطباء و کسانی هم که مبتلا به این کار شده بودند و خواسته بودند تبدیل بکنند دیده بودند که نمی شود این یک مطلب گفتگو شد و بکنند بقیه تحقیقات نشد که این بدل دارد و از این مرتبه که گذشتیم به کلیه اش فدغن بر نمی دارد تدریجاً باید رفع بشود در ترتیب تدریجی این همان نظری که در خود این تریاک بود کمیسیون بالنسبه نظر کرد یعنی آنوقتی که این بکلی از طبیعت مردم رفع بشود و تجارتش هم چنانچه آقای مخیر فرمودند بکلی از میان خواهد رفت برای اینکه مصارف خارجیش هم بطوریکه گفته اند ممنوع است در آن وقت یامی نواییم حکم کلی بکنیم که نه تریاک و نه شیره استعمال شود این مطلب یک چیزی نیست که بتوان اقدام کرد و یک مرتبه سختی باید

داشت و اگر هم فرض کردیم که یک مدتی داشت از نقطه نظر کمیسیون نمی توانستیم بترتیب فشن بکنیم بواسطه اینکه احکامی که از طرف دولت بعنوان فدغن شده بود دیده بودیم و تجربه حاصل کرده بودیم دولت آن فدغن را که بکشد یا تعقیب میکرد باینی کرد اگر تعقیب میکرد مثل سایر مطالب از نهیات شرعی بالاتر که نبود و آن طوری که ما میخواستیم نشده و اگر سخت تعقیب میکرد یا تعقیب میکرد مبتلا میشدیم به معظوراتی که ادعای به اخلاق ما و درین دولت است بطوری که اشاره فرمودند بجهت اینکه اگر تعقیب میکردیم اشخاصی که مأمور این کار بودند که جلوگیری از این کار باین بکنند در اقصی بلاد ایران یک ذره سوخته که در دست آنها پیدا میشد هزار گونه تعدی و ذلت میشود یک مرتبه اسباب یک نفرت و یک ابتلای دولتی میشد و بطلب دیگر هم که اسباب توجه نظر کمیسیون شد این بود که اگر میخواستند بطوری که آقا اظهار کردند یک مسایلی مثل مالیات تریاک برای سوخته وضع کنند ممکن نبود بجهت اینکه یک مثال سوخته که در یک خانه یا یک قهوه خانه پیدا میشد میخواستند بگیرند و متلاشی شدند یک ترتیب دیگری که بدتر از مسئله تریاک میشد بجهت اینکه تریاک را ممکن است یک وجهی جلوگیری از قاچاقش کرد ولی سوخته یک چیزی نیست که مثل تریاک جلوگیری از آن بکنند و سوخته هیچ مانعی ندارد از اینکه بیارند بدولت بفرشند چنانکه یک تاجر دیگری می فریاد می کرد دولت که نمی تواند برود در یک قهوه خانه یا یک خانه از او جلوگیری بکنند آن معظورات آخری حاصل میشد از روی آن نظرات کمیسیون دیده شد این است که دولت این را انحصار کند و کسانی که در این رشته تجارت دارند چون می دانند که یک مدتی بدستان می آید هیچ مانعی ندارد از برای اینکه می بیند که نفع خودش از بان نرفته است بعض نفع خودش را می آید بدولت می فریاد و دولت هم میتواند که بطور خوبی قسمی جلوگیری کند که مطابق مزاج مملکت باشد و بکلی رفع این را بعد از هفت سال کرده باشد حالا اگر نظر آقای مدرس مخالف است باین نقطه نظر کمیسیون بنده تقاضا میکنم که این برگردد به کمیسیون

**رئیس** - مذاکره بقدر کفایت شد و بنده گمان نمی کنم که بتوانیم نتیجه بگیریم تا این مطلب به کمیسیون رجوع نشود و نظرات آقایان در او نشود میشود نتیجه گرفت و چون از طرف کمیسیون تقاضا شده است مطابق نظامنامه باید عودت داده شود اگر تصویب می فرمایید که عودت داده شود

**فهییم الملک** - بدو ماده که مذاکرات ندارد خوبست رأی بگیرند

**رئیس** - چون اعضاء کمیسیون این تقاضا را کردند که برود بکمیسیون آقایان دگر هم بروند نظرات خوششانرا بگویند - حالا دستور جلسه آتی را میگویم رایورت کمیسیون نظام راجع برار از ایلات - کنترات مسیو مولیتر - قانون ثبت اسناد در باب دستور آقای انصاری الواعظین فرمایشی داشتید ؟

**افتخار الواعظین** - می خواستم عرض کنم که نتیجه انتخابات این دفته کمیسیون داخل بیشترش صرف این شده است که قانون منع احتکار غله مرتب شده بگذرد و این یک مرتبه آمد به مجلس و بکمیسیون ارجاع شد و با حضور آقایان که اطلاعات داشته اند کاملاً در آنجا مذاکره شد در رایورت مفصل هم طبع و توزیع شده و خود رئیس هم می دانند که فوائد این بسیار است از طرف کمیسیون داخل بنده تقاضا می کنم که این رایورت هم جزو دستور گذاشته شود

**رئیس** - جزو دستور گذاشته میشود

**ادیب التجار** - یکی از کار های مهمی که مجلس مقدس در نظر داشت تعیین مالیه مملکت بود که مدتها است اشخاص عرض شدند و فرمودند این اواخر استعمال دادند و استعفا آنها را نمی دانم چنانچه چیزی است خوبست بگویند که آقایان ملتفت شوند اگر هم حالا نمی گویند در جلسه آتی بگویند و کسر آنها را انتخاب نمایند و استعفا می کنم که آقای رئیس جزو دستور آتی بگذارند

**رئیس** - چند کمیسیون است که اعضایشان کسرات انشاء الله در جلسه آتی انتخاب میکنیم

**دکتر علی خان** - نمی دانم چه علتی دارد که هر چه از کمیسیون معارف رایورت می آید و غالبان هم مهم است یکی رایورتش داده شده است آن روزنامه رسمی است و یکی دیگر اعزام محصلین است بخارج اینها خوب است مقرر فرمایند جزو دستور گذاشته شود که زودتر تکلیفش معلوم شود و یک رأی بیشتر ندارد و مخصوصاً رایورت اعزام محصلین را تقاضا می کنم زودتر جزء دستور گذاشته شود

**رئیس** - رایورت کمیسیون که در باب محصلین است هنوز رسیده است و در باب روزنامه رسمی هم آنرا راجع کرشم بکمیسیون بودجه تازه رایورتش رسیده بعد از طبع و توزیع جزء دستور گذاشته میشود

**دکتر علی خان** - رایورت اعزام محصلین داده شده است

( مجلس یک ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد )

**جلسه ۲۱۶**

**صورت مذاکرات روز شنبه ۲۵ شهر صفر المظفر ۱۳۰۹**

مجلس دو ساعت و ربع قبل از غروب آفتاب بریاست آقای ممتاز الدوله تشکیل شد

صورت مجلس جلسه قبل را آقای ماضد الملک قرائت نمود

غائبین جلسه نبل : آقایان مستشار الدوله - حسنعلی خان - سیدار اعظم - سردار احمد - بدرن اجازه - آقای قانمیرزا محمد نجات با اجازه غایب بودند

آقایان حاجی سید نصرالله - آقا محمد باقر جردی حاج وکیل الرعایا - آقا عبدالحسین - آقا میرزا ایراهیم قمی بوق مقرر حاضر نشدند

**رئیس** - در صورت مجلس حاضر هست

**دکتر علیخان** - در صورت مجلس لازم بود اسامی اشخاصی که در هر يك از احزاب معرفی شده اند قید شود و چون می بینم در صورت مجلس اسامی حزب اقل قید نشده است حالا متذکر شدم روز نبل بنده درست متوجه نشدم که اسامی حزب اکثر یعنی ائتلاف کتبه هارا نوشته بودند یا خیر و اینکه امروز متذکر شدم بواسطه این است که می بینم در روزنامه اسم بنده را بجای اسم آقای دکتر امیرخان نوشته اند و این را که عرض می کنم نه این است که بنده مخالفت داشته باشم با آن پروگرامی که نوشته شده است بلکه غرضم این است که این یک چیز خلاف واقعی است که نوشته شده باینجهت که آن میکند لازم بود قید شده باشد اسامی اشخاصیکه در هر يك از احزاب هستند چون بنده جزو هیچ حزبی و هیچ ائتلافی ننده ام

**رئیس** - در صورت مشروح مجلس نوشته شده این خلاصه صورت مجلس است که خوانده میشود

**دکتر اسمعیل خان** - بنده هم میخواستم همین را عرض کنم که آقای دکتر علیخان اظهار کردند دکتر امیر خان اشتباه بدکتر علی خان شده است

**آقای میرزا یاقی** - بنده از وزبده از فرات دستخط آقای نایب السلطنه عرض کردم که خوب است این یادداشت چاپ شود در صورت مجلس قید شده است

**بهبخت** - اخطار نظامنامه درم

**رئیس** - فرمایند

**بهبخت** - در ماده ۱۰ نظامنامه داخلی می نویسد قبل از آنکه داخل موضوع مباحثات شوند رئیس نوشتجات و مطالبیکه راجع به مجلس است با اطلاع نمایندگان میرساند و چندین بار این مسئله مذاکره شده و جوابیکه از طرف رئیس گفته میشود اینستکه میفرمایند عرایشی که به مجلس می آید راجع میشود بکمیسیون عرایش و در آنجا قسمت میشود مشایق آن ماده که تکالیف کمیسیون عرایش در آن معین شده است عمل میشود حالا بعضی تکالیفات عرایش است که به مجلس می آید بکمیسیون عرایش رجوع میشود و کمیسیون عرایش رجوع به مجلس کرده است یعنی بهیئت در بنده فرستاده است از جمله دو تکالیف از انجمن ایالتی کرمان یک تکالیف از انجمن ایالت فارس یک تکالیف از خراسان و از انجمن ولایتی اصفهان هم آمده است در خصوص قتل مرحوم صانع الدوله و خوانده نشده است

**رئیس** - این خارج از حدود اخطار نظامنامه است این اخطار نظامنامه نیست

**بهبخت** - این ماده ۱۰ نظامنامه است و اخطار نظامنامه است اجازه عرض کنم

**رئیس** - بنده اجازه نمیدهم

**وزیر امور خارجه** - در باب مناسبات ایران با سایر دول متحابه بنده خودم بشخصه اعزم بودم که در مجلس محترم بیان مطالبی که در این چند وقت خدمت بنده در وزارت خارجه بر بنده معلوم و مکشوف شده بنمایم و خیلی ممنونم که بعضی از

نمایندگان محترم هم مثل آقای ماضد الملک هم - عقیده یافته بود و خواسته اند که این مسئله مهم که در واقع از مهمات و مطالب اساسی هر مملکتی است به محل مذاکره گذاشته شود آقایان بهتر از بنده می دانند که هر دولت هر قدری که بر فوا و اهمیتش می افزاید همانقدر مناسبات سیاسی بین المللی و بین الدولی زیادتیر میشود امروز ایران که در میدان یولتیک عالم جالب دقت نظر عمومی نسبت بخود شده یک موقمی را داراست که حاجت باینکه در آن باب در اینجا عرض بکنم نیست باین موقع مهمی که پیدا کرده بر اولیای امور البته فرض است که این مسئله اساسی را که حفظ و ازدیاد حسن مناسبات دولت ایران با خارجه است در نظر دقت خود بگیرند و سعای خود را همیشه در آن باب صرف بکنند بنده ار ادلی که وارد این خدمت شدم بسابقه مناسبات متعرض نمی شوم فقط که از شروع باین خدمت محترم عرض میکنم که سفرای دول متحابه از اول مرقاتی که باشند کرده اند تا بعد در چندین جلسه هر يك جدا جدا حسابات در ستانه و اظهار همراهی و موافقت خودشانرا باین اساس حاضر ایران بیان فرمودند و تأییدات متوالیه داده اند که مایلند باین که ایران باین اساس جدید دارای ترقیات کامله بپوشد های عالیه بشود و بالخصوص از وقتی که حرکت والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه با ایران گوشزد شد در هر جلسه که سفرای بوزارت خارجه آمده اند این مسئله را بیشتر و باصمیم قلب اظهار و اطمینانات خیلی مستوفی داده اند بعد از ورود آقای نایب السلطنه هم بطهران یک مرتبه که بوزارت امور خارجه آمده بودند باز حسابات در ستانه خودشان را بطور اتفاق با تأییدات باین که دول متحابه باین مناسبت خاصی امپداری دارند که باین اساس در این نایب السلطنه عالم دولت خواه ملت دوست برای ایران ترقیاتی حاصل بشود که موجب مسرت دول متحابه بشود چنانکه در موقع شرفیابی خدمت والا حضرت اقدس هم همین بیانات را همگی کاملاً عرض کرده بودند اظهار مسرت خود را از آن بابت بیان فرمودند این است در اینجا با کمال مسرت و امپداری میتوانم عرض کنم که امروز ما بین ایران و دول متحابه کمال حسن مناسبت حاصل است و چون احتمال میدهم که آقایان نمایندگان مایل باشند که مقابله از مناسبات ما با دول هم به بالخصوص بیشتر اظهار بشود لزوماً اشعار میدارم که یکی از مسائل مهمه ما مسائل حدود ما است با دولت علیه عثمانی که همه میدانید مدتی است اولیای دولت ایران را این کار مشغول کرده است و با بیانات متصفانه و دوستانه که اولیای دولت عثمانی در اسلامبول و جناب حسین حبیب بیگ سفیر کرد دولت علیه عثمانی با آن حسن نیتی که دارد در طهران اظهار میکند و با آن نطق متصفانه که جناب صدراعظم دولت علیه عثمانی در پارلمان اظهار کرده اند امپداریم که این مسئله هم بزودی قطع و فصل شده تکرانی از این باب باقی نماند و حسن روابطی که با آن دولت همسایه داشته ایم و با بطریق اکل هست مکتوم تر شود



در این اواخر از طرف سفارت دولت انگلیس در طهران مراسم بوزارت خارجه در باب جنوب رسیده بود که از آن بابت يك مقدار اظهار نامه نگران و اولیای امور متوجه آن کار بودند ولیکن وقتی که اولیای دولت انگلیس ملاحظه کردند که ایران بمسئله جنوب اهمیت داده و آن مسئله را با کمال دقت پیشهاده خود کرده که امنیت جنوب که اسباب رواج تجارت و امنیت عمومی است بطور تکمیل حاصل شود اظهار موافقت خودشان را بیان کردند تا اینکه اعلیحضرت پادشاه انگلیس در افتتاح پارلمان آن دولت با کمال نزاکت بیانی فرمودند که من زیاد بر آن نمیتوانم عرض کنم که حیثیات دولت انگلیس را در میان بافتار و امنیت ایران اظهار نماید و این بزرگترین دلیل است بر حسن نیتی که آن دولت بزرگ نسبت بدولت ایران دارد و در اینجا هم جناب سرژن بار کئی وزیر مختار دولت انگلیس از اول ملاقات تا بحال با يك عبارتی که بنده بآن خیلی قیمت می گذارم صحبت و همراهی خودشان را بنده اظهار کرده اند در امورات جاریه دلایل آن را بطور وضوح می بینم و بالاخره البته اذهان منتظر است که از مناسباتیکه دولت ایران بدولت امپراطوری روس دارد ذکری شود از روز تأسیس این کابینه که بنده در آن سمت وزیر امور خارجه معین شده ام جناب وزیر مختار دولت بهیچ وجه روس در اینجا در هر موقع بطور صمیمیت اظهارات دوستی خودشان را بیان کرده اند که چنانچه میتوانم عرض بکنم که در حسن موافقت و مساعدت و اطمینان بیک دولت دوستی همین قدر میتوان اظهار کرد در مسائل اموری که در وزارت خارجه بین بنده و ایشان موقع مذاکره گذاشته شده است صریحاً عرض میکنم در تمام آنها حسن موافقت و یکجهتی بخرج داده اند و بعد از آنکه آقای نایب السلطنه تشریف آوردند ما بالخصوص اظهارات خیلی دوستانه خیلی صمیمانه خودشان را حضور آقای نایب السلطنه بیان کردند و چون لازم است که در این موضوع خاطر نمایندگان را بعد از بیانات کلیه بالخصوص توجه بعضی مسائل کنیم تا بدانند که دولت امپراطوری روس با این اساس شما موافق و از مساعدت هیچ دریغ ندارد این است که عرض می کنم یکی از دلالتش این است که وقتی که آقای نایب السلطنه عازم ایران شده از طرف دولت امپراطوری روس از بطرز بزرگ و بالخصوص اظهارات دوستی و اقسام پذیرائی چه در روزهای باقی نایب السلطنه و در طهران بوزارت خارجه اظهار شد و تشریفات شایانی برای پذیرائی آقای نایب السلطنه تدارک شده بود که والا حضرت باسرا در آن پذیرائی صدر خواستند معذرت نماینده فرستاده تشریفات و تزیینات و حفظ روابط دوستی را بطوری که سزاوار يك دولت دوستی بوده بعد آوردن تا آقای نایب السلطنه بلاستی بخاک ایران وارد شدند و بعد از آنکه بخاک ایران وارد شدند اظهارات و دادیه وزیر مختار روس بوزارت امور خارجه ایران بیان کردند تا اینکه چند روز پیش جناب وزیر امور خارجه دولت بهیچ روس بشارژ دافر دولت ایران در

دعوت می کنیم هیئت دولت را از وزراء و کلاعه که در این مسئله آنچه تواند اهمیت بدهند و بنده قول می دهم که بعضی اینکه يك اندازه اقدامی که در تکمیل انتظام داخلی آن چیزهای دیگری هم که منظر هستم اصلاح بشود و انجام یابد بدون زحمت و با موافقت انجام خواهد یافت پس باید سعی بکنیم که تکمیل نواقص کرده مقدمه آنها را فراهم نماییم و تأمین داخلی را تکمیل نماییم و در این موقعی که آقای نایب السلطنه تشریف آوردند و دولت دوست ایران با يك حیثیات واحد و با يك سنجائی (دیگر آقای ارباب اعتراض نفرمائید) و يك محبتی که بنده می بینم صمیمی است منتظرند که برای دولت و ملت ایران پیشرفت حاصل بشود باید وقت را غنیمت بشماریم و بمسائل اساسی و اموری که موجب ترقی مملکت است مراتب بوده و اسباب تکمیل نواقص خود را فراهم نماییم تا بتوانیم صرفه از این روابطی که باین خوبی بدون متعصبه داریم برده باشیم دولت ایران باید متوجه این نکته باشد که یکی از مسائل عمده عالم که میتوان گفت تمام ادارات دیگر شاید در دروی آن کار می کنند مسئله تجارت است و این مسئله تجارت که می گویند برای هر دولتی از بزرگترین سعادت و سرمایه استقلال و استقرار آن دولت بشمار آید می بیند که هر دولتی که بیشتر در رشته تجارت عمومی داخل میشود بیشتر طرف توجه عمومی عالم واقع میشود البته وظیفه اولیه این است که برای تمهید و تکمیل تجارت باید تمهید امنیت بدهیم و مراقبت بکنیم که در تجارت خودشان را پروری تمام ملل و دول با کمال مساوات و بیگانگی باز داشته باشیم و اهتمام نماییم که اگر تجارت سایر دول که برای ما نافع ترین چیزهاست فایده کمی ببریم و البته باید تجارت محترم ما هم متوجه این نکته باشد که در مسائل تجارتی نکته مهم درستی و صحت عمل و صحت معاملات است که باید تجار کمال اهمیت بآن بدهند بنده می بینم که بعضی از اسرء اظهار میکنند که تجار ایرانی با اینکه از نقطه نظر فنی و فنی در دست دارند چون تا به حال بطور صحت و درستی معامله می کردند بتوسط يك اظهاری و يك تلگرافی و يك نوشته ای تقاضای آنها طرف توجه بود و بابت تجارت بروی آنها متوجه حالاهم عرض می کنم که چون مایه و بایه تمام امور همان مسئله تجارت است آنچه بر عهده اولیای دولت وارد است باید طرف توجه مخصوص باشد و آنچه وظیفه شخصی تجار محترم است صحت عمل و امانت است و اقدامات صحیحی که باین اساس کمک واقعی بکنند که این راه تجارت و سعادت حقیقتاً پیشرفت نماید در این موقع شاید زائد نباشد که عرض بکنم وقتی حیثیات دولت دوست نسبت بیک دولتی که باین مقام باشد که وزیر امور خارجه حیثیات خودش را برض اولیای ملت برساند باید خیلی قدر شناسی از این حیثیات شده و این حیثیات بتوسط نمایندگان ملت بمعموم ملت برسد و بواسطه آن صمیمیت و آن حسن قبول و حسن تلقی ملت بتواند وزارت خارجه برای حسن مناسبات از زیاد بدهد و البته در این خصوص روزنامه نگاران محترم که زبان ملی هستند مدخلیت تام دارند که کمک نمایند حیثیات را که دولت بان

بر می خورد با اطلاع عموم ملت برسانند و بن حیثیات قدر بگذارند و موافقتی را که لازم است در اساس امور نمایند تا اینکه هیئت دولت بتواند بدون مزاحمت و نگرانی و ببا يك کمک حقیقی و منتهوی آن مناسباتی را که منظور دولت و ملت است به اهل درجه حسن مناسبات برساند و در آخر عرایض باز تجدید امتنان خود را از نمایندگان محترم دولت متعصبه نموده ام بدوام که این حسن مناسبات در تراز بوده در همه جا منتشر باشد (از طرف نمایندگان احضرت گفته شد)

**آقای امیر زار ترضی قلی خان** - این فرمایشات آقای وزیر امور خارجه را با کمال مسرت تلقی کردم و خیلی میل داشتم این مسرت های خودم قلبی نباشد و اظهار هم در این مجلس کرده باشم معلوم است شخصی مثل وزیر امور خارجه که در این امور این قسم اظهار امتنان و امیدواری بکنند خیلی اسباب اطمینان برای مجلس خواهد بود و معلوم است که تمام فرمایشات ایشان را نمایندگان محترم بحدن تلقی قبول میکنند و یقین است که همیشه دولت متعصبه خصوصاً در مورد در مقام دوستی باین دولت بوده اند و کس منکر این مطالب نبوده نهایت اگر بعضی ابتلاآت پیدا شده انشاء الله با اقداماتی که شده و بعد از این خواهد شد اصلاح و جبران امور خواهد شد اظهار امتنان خود را از آقای وزیر امور خارجه و از نمایندگان محترم خارجه که در اینجا هستند اظهار مبدارم و امیدوار هستم که روز بروز این حسن مناسبات زیادتیر بشود.

**رئیس** - این بیانات آقای وزیر امور خارجه حقیقتاً خیلی اسباب امیدواری شده و بنده هم لازم می دانم در این میان مسرت عموم نمایندگان را از این اظهارات آقای وزیر امور خارجه نمایم و امیدواری که همه ما نسبت بروابط خارجه داریم که روز بروز زیادتیر و محکمتر باشد در اینجا بیان کنم.

**وزیر امور خارجه** - چند روز قبل از سفارت ایران در یازیس در باب مستخدمین سوئد چیزی اظهار کرده بودند که بمجلس عرض کردم و بعد صورت آنرا کتباً بمجلس شورای ملی فرستادم و خواهش دارم که آن مسئله را هر طوری که رای مجلس تعلق می گیرد چون يك مسئله جزئی است امروز رای بدهند که جواب یازیس موعود نمایند.

**صدر العلماء** - چون در جلسه گذشته اسم بنده و همچنین آقای آقا شیخ محمد بنام فرقه سنیسی دموکرات معرفی شد تئیرات ایشان بنده را مجبور کرد که توضیحی در این مقام رسمی عرض کنم و عرض میکنم هر مراسمنامه و نظم نامه که به تئیرات بر یک اساس صحیحی نباشد و مدرک صحیحی نداشته باشد این محل توجه عقلای عالم نخواهد شد پس لازم است اول اساس مملکت خود را عرض بکنم و مدرک بدست بدهم تا هر چه سره تفاهم نشود و هیچ اشتباهی و اجمالی نماند و نیمتا و تبرکاً برای مزیت نزدایت مجلس عرض می کنم - قال رسول الله صلی الله علیه و آله یا ابذرائی اجلس علی الارض و البس الخشن و الواق اصابعی و ادرك الحمار من غیر سرج و ادرف خلفی و هنده سنی و من رغبت سنی فلیس منی . . .

شاید در تمامش چنان مجلس کسی باشد که محتاج به تفسیر باشد من روی خاک می نشینم و لباس شستن می پوشم و با اسبابه خودم غذا میخورم و سوار میشوم بر مرکبی بغیر از زمین يك نفر را هم ردیف خودم سوار میکنم و این سنت من است و کسیکه این سنت مرا قبول نکند از من نیست این اصل اساسی و مدرک مملکت سیاسی بنده است و در مقام تزکیه نفس و تاریخ زندگی خودم هم نیستم چون تزکیه نفس خصوصی در این مقام معلوم است و مشروط خواهد هم هست یعنی قابل بحکومت ملی هستم و قابل بر کزیت برای حکومت که تمام قوای مختلفه که در مملکت است که يك ملوک الطوائف معین است تمام این قوا باید مضاعف باشد و جمع شود در دست هیئت و آزادی خواه هم بنده هستم و اگر آزادیخواه نبودم اینجا کاری نداشتم و باید بگویم چه جور آزادی خواهی یعنی آزادی که مزاحم به آزادی غیر نباشد مساوات خواه هستم یعنی مساوات در تحت قانون مقدس یعنی شخصی که دارای صد کرور دارائی است یا شخصی که صد دینار سرمایه دارد و شغلش لبو فروشی است در تحت قانون و در مقابل اجرای قوانین مقدسه شریعت باید مساوی باشند بر ضد تشخصات و امتیازات و اعتبارات موهومه هم هستم جد اولی امتیازات تشخصات فضلی را تصدیق میکنم و البته احترامات به احبابان فضل نباید بگذارند یعنی با علاجه من خودم احترام می گذارم حالا دیگران اگر ندارند و نمی گذارند مختارند از اجرام برامنامه و نظامنامه مسلکی عرض کنم این جریبات در این مراسمنامه های فرق خاصه موجوده مجلس اینها معلوم است یعنی آرزو و آمال است و تمام مسائل را بنده تقدیس می کنم بواسطه اینکه تمام متصدان یکی است و البته يك مقصد عالی است و بنده هیچ اجازه نمیدهم که از فرقه بفرقه یا از اعضاء فرقه نسبت به اعضاء فرقه دیگر از موضوع مسلکی خارج شده داخل شخصیات بشروم و عرض میکنم این احزاب و این فرق سیاسی که در این مجلس هستند بنده هم جزء یکی از آن احزاب هستم عرض می کنم که ما اخوت دینی داریم اخوت وطن داریم و آلان پنج فرقه سیاسی است که در مجلس هستند عرض میکنم که آنها باین مثل پنج برادر باشند و نزاع مسلکی را بنده خیلی مقدس میدانم و لیکن برای این مملکت و حفظ استقلال این مملکت این پنج فرقه چنان مالا قدماً قلباً از هر یک کوره خدمتی مضایقه ندارند تا دم آخر اگر اجازه برمایند بنده عرض میکنم مابین برادریم از یک پیشیم.

گویی بمثل بیان پنج انگشتمی کرد راست شویم در نظرها علمیم و در جمع شویم بر دهها مشتیم و يك چیزی میگویم عرض بکنم و بعد مقصود مملکت خود را عرض میکنم بنده مستوری دیوان قبول نکرده ام جهت خیلی داشته است و خیلی هم متشکرم و همیشه از زراعت گذران کرده ام خودم دیده ام و پیشم خودم که بر مردمهای زند و پوش از مکانهائی که دارند کسانی که دیده کاری کرده اند میدانم که هر کسی دیده کاری میکند بکفرسخ دو فرسخ سه جزء از محل سکنای خودش دور میشود میروند باراضی که قابل دیده کاری است آب با خودشان

بر می دارند يك فرصه نان بر میدارند چون در زمینهای که دیده کاری می کنند آب نیست فقط زمین لیاقت زراعت را دارد کار بر میدارند و بعضی سالها خودم دیده ام که یکی دو کار اجاره میکنند میروند آنجا زراعت میکنند و معاش خودش را از آن تحصیل میکند با این سختی و ذات فقر و مسکنت زندگانی میکند و بعد من پیشم خودم دیده ام که مباشرین حکام جزو همان آدم را دیده ام که بدرخت می بنهند و آنچه باین زحمت تحصیل کرده است از او میگیرند لهذا من مسلکاً منهدم تا آن دم آخر که جان داشته باشم باید کاری بکنم که این ظلم از مملکت مرتفع شود و در باب مراسمنامه مملکت دموکرات که تازه منتشر شده است و بنده دیده ام تمام آنها را و سایر مراسمنامه ها را هم دیده ام تمام آنها را دیده اند خدمت آقای حجت الاسلام آقای مدرس اصفهانی مسلم است که ایشان نظریات عالی دارند نظرات اساسی خودشان را در تمام آنها خواهند کرد چه مراسمنامه فرقه دموکرات چه غیر آن آنگاه اگر هر کسی ایرادی دارد با ایشان مذاکره خواهد کرد بنده عرض میکنم اینجا جای مباحثه در مواد نیست در خارج هم توجهی کردن که مقصود ماده گذار نیست و آنرا وسیله بعضی حرفها قرار دادن بنده اینها را لایق نمیدانم هر کس ایرادی دارد در اطراف های مجلس یا در خارج ممکن است مذاکره کند که واقعا ببینیم که مراسمنامه که صحیح و مشروع باشد یعنی يك طوری باشد که مراد حاصل شود و از الفاظ از معلوم شود این البته باید توضیح شود و کمال اخوت و برادری و دلجویی مذکور شود غیر از این عرضی نداشتم من اولی که بمسائل شورای ملی مشرف شدم باین خدمت و در آن اطراف آینه بودیم و هنوز اسم مسلکی نبود بنده از همان وقت در سمت دست چپ نشسته بودم بهمین نظریه که الان دارم آنجا جلوس کردم و الان هم چایم طرف دست چپ است و ایهم مسلک بود که عرض کردم دیگر عرضی ندارد (احضرت گفته شد)

**رئیس** - چون بعضی اجازه خواسته اند به ترتیب اجازه داده میشود.

**سلیمان میرزا** - چنانچه در جلسه قبل عرض کردم فرقه دموکرات تا آن ساعتی که جلسه قبل افتتاح شد آن مواد بیست گانه را ندیده بودم و پس از آنکه جلسه ختم شد آن مواد بیست گانه را آقای رئیس فرمودند تطبیق و توزیع میکنم و امروز طبع شده اش را دیدیم و عرض میکنم که اینها کلی است و در تمام آنها ماه اتفاق داریم برای اینکه اینها يك چیزی نیست که فرقه دموکرات مخالفت داشته باشد با آن چیزی که چاپ شده است همه اتفاق دارند در او همه خواهند دید همه قبول خواهند کرد و اینها چیزهایی نیست که کسی منکر این باشد بلکه تا يك اندازه مشغول عمل هم بودند از قبیل خرید املعه و اعزام شاگرد بخارجه اینها چیزهایی است که همه قبول دارند لکن چون فرمودند که هر کسی این مواد را قبول بکند باز نمیتوان گفت جزء این هیئت مؤلفه است چون قبول این مواد مشروط و نظامانی دارد که باید آنها را قبول کند